



Quantitative and qualitative analysis of the differences between Muslims in reading the Qur'an before uniting the Mushafs

Hadi Gholamrezai*

Accepted: 02/03/2022

Kavus Rouhi Brandagh**

Received: 01/11/2021

Nusrat Nilsaz***

Mahmoud Karimi****

Abstract

One of the most important events in the history of the Holy Quran is the unification of the Qur'anic Mushafs. This event is the product of Muslims' differences in reading the Qur'an and the solution offered to solve it. Although some research has been written on this subject and how to do it, but the background of this incident, the difference between Muslims, has been neglected and we do not see any research on it. This article researches the hadiths about the differences between Muslims in reading the Qur'an with a descriptive-analytical method in order to first get acquainted with the historical background of this event, and secondly when and where did These differences happen, and Third What is the quality and quantity of these differences. By clarifying the quantity and quality of these differences and determining their examples and scope, it is clear whether this unification was necessary or not in relation to the Qur'an, and if it was necessary, it was done successfully or not. According to this research, First, many of the analyzes presented about unification of the Qur'anic Mushafs, although they are reasonable hypotheses, but the narrations we consider in this article do not confirm them; Secondly, in narrating the story of the difference between Muslims before the unification of the Mushafs, we witness the phenomenon of exaggeration; Thirdly, the peak of the differences was in the years 23 to 25 AH and these differences were limited both in terms of quantity and quality; Fourth, sometimes the difference was not due to different recitations, but some of the Companions, after seeing the attribution of the Qur'an to some people, were afraid of a difference like the difference between Jews and Christians among Muslims. fifth, the main reason for the differences between Muslims in the certain period of time was the differences between the Mus'haf of Ibn Mas'ud and others, which led to a severe confrontation between a limited minority and the majority of the Islamic community.

Keywords: *Unification of Mus'hafs, Differences of Reading, Hudhayfah Ibn Yaman, Abdullah Ibn Mas'ud .*

* PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. hadigholamrezai@modares.ac.ir

** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) k.roohi@modares.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran., Iran. nilsaz@modares.ac.ir

**** Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. karimiimahmoud@gmail.com



تحلیل کمی و کیفی اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن پیش از توحید مصاحف

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

هادی غلامرضائی *

کاوس روحی برندق **

نصرت نیل ساز ***

محمود کریمی ****

چکیده

از جمله حوادث مهم تاریخ قرآن کریم، واقعه توحید مصاحف است. این رویداد محصول اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن و راهکار ارائه شده برای حل آن می‌باشد. هرچند تاکنون پژوهش‌های مختلفی درباره این واقعه و چگونگی اجرای آن انجام شده اما زمینه این اتفاق یعنی اختلاف مسلمانان مورد غفلت قرار گرفته است و درباره آن شاهد پژوهشی نیستیم. این مقاله درصدد است با نگاهی تاریخی و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی روایات حاکی از اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن که منجر به توحید مصاحف شد، بپردازد؛ تا ضمن اشاره به پیشینه تاریخی این رخداد، نشان دهد که این اختلاف از چه کمیت و کیفیتی برخوردار بوده و در چه زمان و مکانی بروز و ظهور داشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: اولاً بسیاری از تحلیل‌های ارائه شده درباره توحید مصاحف، مورد تأیید نمی‌باشند؛ ثانیاً شاهد غلو و بزرگ‌نمایی در نقل این حادثه تاریخی هستیم؛ ثالثاً اوج اختلاف‌های گزارش شده در سال‌های ۲۳ تا ۲۵ ق هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت محدود بوده‌اند؛ رابعاً گاه اصلاً اختلاف نه به خاطر قرائت‌های متفاوت بلکه تنها به خاطر انتساب قرآن به برخی از صحابه و از ترس وقوع اختلافی همچون اختلاف اهل کتاب در میان مسلمانان بوده؛ خامساً علت اصلی اختلاف، تفاوت مصحف ابن مسعود با دیگران بوده که منجر به رویارویی شدید اقلیتی محدود با اکثریت جامعه اسلامی شده است.

واژگان کلیدی

توحید مصاحف، اختلاف قرائت، تواتر قرآن، عبدالله بن مسعود.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. hadigholamrezaii@modares.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) k.roohi@modares.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. nilsaz@modares.ac.ir

**** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. karimiimahmoud@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری دانشجو است.

طرح مسئله

از جمله حوادث مهم تاریخ قرآن کریم، واقعه توحید مصاحف است. در این واقعه عثمان دستور داد نسخه واحدی از قرآن کریم به‌عنوان «مصحف امام» تهیه و مابقی مصاحف از بین برده شوند. این پژوهش با این واقعه و چگونگی انجام آن کاری ندارد. حتی به‌دنبال واکاوی این هم نیست که آیا برای حل مشکل به‌وجودآمده راه بهتری وجود داشت یا خیر؟ بلکه می‌خواهد مشکلی را که مسلمانان برای حل آن به فکر توحید مصاحف افتادند، مورد بررسی قرار دهد و با ابعاد مختلف آن بیش‌تر آشنا شود؛ برای نمونه این‌که این اختلاف در چه زمان و مکانی بوده و مسلمانان در چه گستره‌ای و دقیقاً بر سر چه چیزی و به‌چه مقدار با هم اختلاف داشته‌اند؟ به‌عبارت دیگر، اختلاف مسلمانان از چه کمیت و کیفیتی برخوردار بوده‌است؟ از این‌رو، در این نوشتار با روش مطالعه کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی - توصیفی، آن دسته از روایات حاکی از اختلاف مسلمانان پیش از توحید مصاحف، همچون گزاره‌های تاریخی مورد مذاقه قرار می‌گیرند تا مشخص شود این روایات چه داده‌های کمی و کیفی‌ای را ارائه می‌کنند و تا چه مقدار توان پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش حاضر را دارند.

اگرچه تاکنون پژوهش‌هایی درباره توحید مصاحف به‌نگارش درآمده و در اکثر کتب علوم قرآنی این واقعه مطرح شده‌است، اما نویسندگان به پژوهشی که «اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن پیش از توحید مصاحف» را از جهت کمی و کیفی مورد موشکافی قرار دهد، دست نیافتند؛ بنابراین، این پژوهش در موضوع خود نخستین گام است. سلیمانی (۱۳۷۵) در مقاله «بررسی علل توحید مصاحف در عصر عثمان» علل اختلاف مسلمانان را بررسی کرده و به‌خوبی نشان داده است که نباید بین اختلاف قرائت پس از توحید مصاحف با پیش از آن خلط کرد. (صص ۳۳-۳۷) اما در این مقاله که بیش‌تر مبتنی بر آرای علماست و نه روایات حاکی از اختلاف، اولاً به کمیت اختلاف و میزان گسترش آن اصلاً پرداخته نشده است. ثانیاً درباره کیفیت هم هرچند علل اختلاف مشخص شده اما اصلاً به روایات توجهی نشده و علل ذکرشده تنها مبتنی بر عوامل اختلاف قرائت مذکور در کتب علوم قرآنی است؛ از این‌رو، اموری به‌عنوان علل اختلاف مطرح شده‌اند که به‌هیچ‌وجه روایات حاکی از اختلاف پیش از توحید مصاحف آن‌ها را تأیید نمی‌کنند. مقاله «تقد و بررسی جریان توحید المصاحف در زمان خلافت عثمان» نیز مربوط به خود واقعه توحید مصاحف است؛ نه اختلافات منجرشده به آن.

امری که به انجام این تحقیق ضرورت می‌بخشد، روشن شدن پیشینه اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن و ارزیابی و بررسی چرایی وقوع توحید مصاحف است. در اهمیت این مسئله همین بس که با روشن شدن کمیت و کیفیت این اختلاف‌ها و تعیین چارچوب و گستره آن‌ها، لزوم یا عدم لزوم توحید مصاحف و میزان اهمیت و همچنین موفقیت آن مشخص می‌شود؛ و این که آیا راه‌حل بهتر و یا جایگزینی برای رفع این مشکل وجود داشته‌است یا خیر؛ و اگر داشته‌است چرا مسلمانان به این تصمیم رسیدند. البته این امور نیازمند پژوهش‌های مستقلی هستند.

در این نوشتار به جای تمرکز بر منابع دست دوم و تحلیلی مستقیماً به سراغ قدیمی‌ترین منابع در دسترس رفته‌ایم و نشان داده‌ایم: ۱. بسیاری از تحلیل‌های ارائه‌شده، اگرچه فرضیه‌های معقولی هستند اما دلیلی آن‌ها را تأیید نمی‌کند؛ ۲. غلو و بزرگ‌نمایی اختصاصی به حوزه فضائل و مناقب ندارد و در نقل حوادث تاریخی نیز شاهد آن هستیم؛ ۳. اختلاف پیش از توحید مصاحف، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، به‌گونه‌ای نبوده است که «اصالت انتساب» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۳۳) و یا «صحت تاریخی قرآن» و همچنین «تواتر» آن را با مشکل روبه‌رو کند. (رک: غلامرضائی، ۱۳۹۷)

۱. مفهوم شناسی

عرب‌ها واژه «قرائت» را از زبان آرامی وام گرفته (جفری، ۱۳۸۶، ص ۳۳۹) و در معنای «ضمیمه چیزی به چیز دیگر» و «جمع کردن» به‌کاربرده‌اند. (جوهری، بی تا، ج ۱، ص ۶۵) اگر به‌خواندن، «قرائت» گفته می‌شود به‌خاطر این است که در آن، بعضی از حروف و کلمات به‌بعضی دیگر ضمیمه و با هم جمع می‌شوند. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۶۸) قرائت در اصطلاح علوم قرآنی به «گونه‌ای از تلاوت قرآن که دارای ویژگی‌های خاصی است و از نص وحی الهی حکایت می‌کند» گفته می‌شود. (معرفت، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶؛ عترت دوست، ۱۳۹۷، ص ۲۴؛ برای اطلاع از سایر معانی بیان‌شده رک: فضل‌ی، ۱۴۰۵، ص ۵۵) بنابراین، قرآن غیر از قرائت است؛ قرآن الفاظ نازل‌شده بر پیامبر خدا علیه و آله السلام در قالب وحی می‌باشد اما قرائت چگونگی خوانش آن الفاظ (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۶۵؛ ذوقی، ۱۳۹۶، ص ۲۱).

اصل الفاظ قرآن و یا اصطلاحاً «سیاهه» و «جوهر» آن‌ها در اکثر قریب به‌اتفاق واژگان، مورد اتفاق‌اند، اما در قرائت درصد کمی از آن‌ها اختلاف رخ داده است که از آن با عنوان «اختلاف قراءت» یاد می‌شود. در حقیقت قرآن دارای نص واحدی است و قرآء بر سر چگونگی خوانش بخش ناچیزی از آن نص واحد با هم اختلاف دارند. مراد از «اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن»

در این پژوهش، معنای مشهور امروزی آن نیست؛ چراکه این معنا یعنی «اختلاف در کیفیت ادای یک کلمه» متعلق به پس از توحید مصاحف و کنار گذاشتن متن‌های متفاوت است؛ نه‌بازه‌زمانی ما در این پژوهش. (سلیمانی، ۱۳۷۵، ص ۳۴؛ مفتخری، ۱۳۸۴، ص ۶۸) برخی معتقدند که مراد از قرائت، نخست تلاوت قرآن به همراه فراگیری معنا و تفسیر آن بوده‌است. گاهی نیز وقتی گفته می‌شد قرائت، تنها یکی از این دو جزء یعنی تفسیر اراده می‌شد؛ اما پس از تجرید و توحید مصاحف این کلمه به معنای صرف تلاوت واژگان قرآن درآمد (عسکری، ۱۴۱۶، ص ۲۹۴-۲۹۷). اما این معنا نه تنها دلیل متقنی ندارد، بلکه شواهد متعددی برخلاف آن است: اولاً کتب لغت موبد این معنا نیستند و مدعی نیز به این کتب استناد نکرده است؛ ثانیاً واژه قرائت در قرآن و احادیث بدین معنا نیست. (رک: یونس: ۹۴؛ الاسراء: ۷۱؛ الحاقه: ۱۹؛ العلق: ۱؛ ابو عبید، ۱۴۲۶) ثالثاً آنچه به عنوان قرائات صحابه به دست ما رسیده، اختلاف بر سر الفاظ است نه معانی و تفاسیر. (خطیب، ۱۴۲۲) رابعاً حمل قرائت بر تفسیر، متاخر و متأثر از شاذدانستن قرائات مخالف با رسم الخط است. (ذوقی، ۱۳۹۶، ص ۸۳) اما به هر حال مراد ما از اختلاف در این پژوهش، هرگونه اختلاف مسلمانان درباره الفاظ قرآن و ساختار آن است که شامل اختلاف در «خوانش یک واژه»، «چگونگی یک گزاره قرآنی از جهت واژگان به کاررفته، نگارش، چینش و شمار آن‌ها» و حتی اختلاف در «تعداد سوره و جایگاه آن‌ها» نیز می‌شود.

۲. بحث و تحلیل

پیش از آغاز تحلیل اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن در بازه‌زمانی مورد نظر، لازم است نگاهی به روایاتی که بیان‌گر این رویداد هستند، بیان‌دازیم:

۲-۱. روایات حاکی از اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن

مشهور این است که اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن در مرز آذربایجان و ارمنستان، نگرانی حذیفه از این اختلاف و مراجعه او به عثمان، سبب توحید مصاحف شد؛ اما بر اساس روایات، اختلافی که منجر به توحید مصاحف شد، تنها محدود به این زمان و مکان نبوده است؛ بلکه در شهرهای دیگری نیز مسلمانان با هم اختلاف داشته‌اند. ماجرای اختلاف مسلمانان با توجه به روایات بر این پایه است:



۱-۲-۱. اختلاف در مرز آذربایجان و ارمنستان

حذیفه برای شرکت در فتح ارمنستان و آذربایجان در آن منطقه حضور داشت. (ابوعبید، ۱۴۱۵، ص ۱۵۳؛ بخاری، ۱۴۱۰، ص ۱۰۰؛ سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۸۸؛ نسائی، ۱۴۱۱، ص ۶) اهل عراق و شام هم آمده بودند. (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۱) آن‌ها درباره قرآن دچار اختلاف شدند؛ به گونه‌ای که نزدیک بود بین آن‌ها فتنه و آشوبی به پا شود. (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۲) اهل شام قرآن را به قرائت ابی‌بن‌کعب و اهل عراق به قرائت ابن‌مسعود می‌خواندند و قرائت یکدیگر را نشنیده بودند. در نتیجه، برخی، برخی دیگر را تکفیر کردند.

برای نمونه، دو نفر در قرائت آیه ۱۹۶ سوره بقره با هم اختلاف پیدا کردند. یکی به همین شکل کنونی قرائت کرد: ﴿وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾. اما دیگری آن را به این شکل خواند: «وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلْبَيْتِ». (طبرانی، ۲۰۰۸، ص ۲۰) حذیفه با شنیدن چنین اختلافی غضبناک گردید، چشمانش قرمز شد و گفت: به خدا سوگند اگر به عثمان برسم به او فرمان می‌دهم که قرآن را یک قرائت قرار دهد. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۲۰) حذیفه به سعیدبن‌عاص گفت: در این سفر امری را دیدم که اگر به حال خود رها شود، در قرآن اختلاف رخ می‌دهد و دیگر اوضاع درست نخواهد شد. اهل حمص را دیدم که گمان می‌کردند قرائتشان بهتر از قرائت دیگران است و آن‌ها قرآن را از مقدار فراگرفته بودند. اهل دمشق را دیدم که معتقد بودند قرائتشان بهتر از قرائت دیگران است و اهل کوفه را نیز به همین شکل دیدم. آن‌ها بر قرائت ابن‌مسعود می‌خواندند. اهل بصره نیز مثل همین را می‌گفتند و آن‌ها مطابق قرائت ابوموسی اشعری قرائت می‌کردند و مصحف او را «لباب القلوب» می‌نامیدند. (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۵).

۱-۲-۲. اختلاف در کوفه

در زمان ولیدبن‌عقبه، والی عثمان در کوفه، مردم در مسجد برای فراگیری قرآن حلقه‌حلقه می‌نشستند و هرکس قرآن را از معلمی فرا می‌گرفت. حذیفه شنید مردی می‌گوید: قرائت ابن‌مسعود و دیگری می‌گوید: قرائت ابوموسی. غضبناک شد و به پاخواست و گفت: کسانی که پیش از شما بودند به همین شکل اختلاف پیدا کردند و به خدا قسم به سراغ عثمان می‌روم. (ابن‌حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) اصحاب ابن‌مسعود گفتند: چه چیزی را انکار می‌کنی؟ آیا مطابق قرائت ابن‌مسعود نخوانیم؟ حذیفه و موافقانش غضبناک شدند و به آن‌ها گفتند: شما «اعراب» هستید و

بر خطا پس ساکت شوید. حذیفه گفت به خدا سوگند اگر زنده بمانم و به عثمان برسم، به او مشورت می‌دهم تا بین مردم و این وضعیت مانع شود (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۵).

ابن مسعود به حذیفه گفت: به من خبر رسیده که تو می‌خواهی از عثمان بخواهی قرائت‌ها را یکی کند! حذیفه گفت: بله من از این که گفته شود قرائت فلانی و قرائت فلانی بدم می‌آید؛ در نتیجه همانند اهل کتاب، اختلاف پیدا می‌کنند. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) حاضران از صحابه و تابعین نیز با او موافقت کردند. اما ابن مسعود و اصحابش از این کار ایراد گرفتند و به آن‌ها سخن درشت گفتند. حذیفه به سمت عثمان حرکت کرد و گفت: من انذاردهنده هستم و امت را دریاب. (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ص ۵۸۳) اما مطابق یک نقل دیگر ابن مسعود و ابوموسی نیز در مسجد حضور داشتند و مشغول قرائت بودند که حذیفه آمد و گفت: قرائت ابن‌ام‌عبد، قرائت ابوموسی! به خدا قسم به عثمان دستور می‌دهم که قرائت‌ها را یکی و مصحف‌ها را غرق کند (غانم، ۱۴۲۵، ص ۹۰).

۳-۱-۲. اختلاف در مدینه

هر معلمی قرائت خود را از کسی یاد گرفته بود و مطابق همان قرائت به شاگردانش آموزش می‌داد. وقتی شاگردان به هم می‌رسیدند در قرائت قرآن دچار اختلاف می‌شدند. این اختلاف به گوش معلمانشان رسید و برخی، برخی دیگر را تکفیر کردند. مردی قرائت می‌کرد و رفیقش می‌گفت: به خاطر این قرائت کافر شدی. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) و یا یکی از افراد گروهی که از عراق بودند، درباره آیه‌ای سوال کرد. وقتی آن آیه را برای او خواندند، گفت: من به این قرائت کفر می‌ورزم. این خبر در بین مردم پخش شد و درباره قرآن با هم اختلاف پیدا کردند. خبر این امور به عثمان رسید و او در همین رابطه سخن‌رانی کرد (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۹) و گفت: شما با هم اختلاف پیدا کردید در حالی که نزد من هستید؛ پس کسانی که در شهرهای دیگر هستند، اختلافشان بیشتر است. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷؛ علاف، ۱۴۲۰، ص ۱۳۷) شما در قرآن با هم مجادله می‌کنید و می‌گویید: قرائت ابی‌بن‌کعب، قرائت عبدالله بن مسعود و دیگری می‌گوید به خدا سوگند به قرائت تو نمی‌خوانم. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷). ای اصحاب محمد اجتماع کنید و برای مردم مصحف امامی را بنویسید. (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۲)

حذیفه پس از بازگشت به مدینه وارد هیچ خانه‌ای نشد و مستقیماً به سراغ عثمان رفت. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) وقتی به عثمان رسید دید که خود او هم از قضیه اختلاف معلمان و

شاگردان مدینه ناراحت است. (علاف، ۱۴۲۰، ص ۱۳۷) حدیفه به او گفت: این امت را پیش از این که همانند یهود و نصاری در کتاب‌ها با هم اختلاف پیدا کنند، دریاب. عثمان نیز ترسید. (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۱)

۲-۲. تحلیل و بررسی روایات

پس از ذکر درون‌مایه روایات، تحلیل و بررسی آن‌ها آغاز می‌شود تا مشخص شود که این روایات تا چه اندازه توان پاسخ‌گویی به پرسش‌های مورد نظر را دارند:

۲-۲-۱. گستره اختلاف

در این بخش به بررسی گستره اختلاف از دو بعد زمانی و مکانی می‌پردازیم:

۲-۲-۱-۱. گستره مکانی

مطابق روایات، پیش از توحید مصاحف سه اختلاف به‌طور همزمان در منطقه مرزی آذربایجان و ارمنستان، کوفه و مدینه رخ داده است. چرایی وقوع این اختلاف در مرز کاملاً مشخص است. تا زمانی که مسلمانان در شهر خود زندگی می‌کردند و با مسلمانان شهرهای دیگر رفت‌وآمدی نداشتند، گمان می‌کردند همه مسلمانان قرآن را همانند هم قرائت می‌کنند و در این زمینه اختلافی با هم ندارند؛ در نتیجه، اختلاف موجود نمایان نمی‌شد؛ اما وقتی مسلمانان نواحی مختلف در کنار هم جمع می‌شدند، می‌فهمیدند که هرکدام به‌گونه‌ای متفاوت از دیگری قرآن را قرائت می‌کنند. طبیعی است که اولین احتمالی که به‌ذهن هرکسی خطور می‌کند این است که طرف مقابل دچار اشتباه شده است؛ احتمالی که دقیقاً به‌ذهن دیگری هم خطور کرده است. لذا در مقام تذکر بر می‌آید و وقتی پافشاری طرف مقابل را بر قرائتی که از نگاه او اشتباه است، می‌بیند کار به تکذیب، تکفیر و درگیری می‌کشد. علت این که چنین اختلافی در مدینه نیز رخ داده، کاملاً مشخص است. مدینه در آن زمان مرکز حکومت اسلامی بود؛ بنابراین، حضور مردم از شهرهای مختلف در آن عجیب نیست. لذا در یک روایت از حضور مردمی از عراق در مدینه سخن به‌میان آمده که سبب اختلاف مردم مدینه در قرائت قرآن شدند. (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۹)

اما علت اصلی اختلاف مردم مدینه این بود که معلمان قرآن این شهر، هرکدام قرائت خود را از یک صحابی فراگرفته بودند؛ از این رو، قرائتشان با هم متفاوت بود. اما داستان کوفه متفاوت است. اختلاف در کوفه ناشی از حضور چند نفر از صحابه در آن شهر بود. هرکدام برای خودشان

حلقه درسی و شاگردانی داشتند. شاگردان هر استادی مطابق قرائت استاد خود قرآن را قرائت می‌کردند و کاملاً هم واقف بودند که دیگرانی هستند که قرآن را به‌گونه دیگری قرائت می‌کنند. لذا درباره کوفه خبری یافت نشد که حاکی از تکذیب، تکفیر و درگیری باشد. درگیری زمانی شروع شد که حذیفه پیشنهاد توحید مصاحف را مطرح کرد و با مخالفت ابن مسعود و شاگردانش روبه‌رو شد.

بنابراین، به‌جز منطقه مرزی، کوفه و مدینه از جای دیگر چنین اختلافی بین مردم گزارش نشده است؛ و این‌که عثمان گفته اختلاف مردم شهرهای دیگر بیش‌تر است، تنها یک حدس می‌باشد نه این‌که مبتنی بر گزارش‌هایی باشد؛ (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) و شاهد هم سخنش ناظر به گزارش حذیفه بوده است؛ چراکه هرچند روایات درباره زمان این سخن‌رانی با هم مخالف‌اند، اما به‌نظر قول صحیح ایراد این سخن‌رانی پس از هشدار حذیفه است. علت عدم اختلاف شهرهای دیگر این بوده که مردم آن شهرها مطابق قرائتی که به آن‌ها رسیده بوده، قرائت می‌کردند و با مردم سایر شهرها برخوردی نداشتند؛ لذا دست‌کم می‌توان مدعی شد که حتی اگر قرائت‌های برخی از شهرهای دیگر نیز با هم متفاوت بوده اما بین مردم یک شهر از این جهت اختلافی نبوده است؛ مگر شهرهایی همچون مدینه و کوفه که مردم قرائت خود را از بیش از یک صحابی فراگرفته و به‌جهت اهمیتشان شاهد حضور مسلمانان زیادی از شهرهای مختلف بوده‌اند.

۲-۱-۲-۲. گستره زمانی

مسئله دیگر زمان وقوع این اختلاف‌ها است. با توجه به این‌که این اختلافات منجر به عکس‌العمل عثمان و در نتیجه توحید مصاحف شد، می‌توان با توجه به این واقعه به‌زمان تقریبی این اختلاف‌ها نیز دست یافت. عثمان در سخن‌رانی خودش گفته است: ای مردم هنوز پانزده سال از زمان پیامبرتان نمی‌گذرد که شما در قرائت با هم اختلاف پیدا کردید! حکومت عثمان پس از قتل عمر بوده است و قتل عمر مطابق قول عامه در اواخر ذی‌الحجه سال ۲۳ق؛ سه ماه کمتر از سیزده سال پس از وفات پیامبر خدا. اگر مراد او از پانزده سال، پانزده سال کامل باشد یعنی دو سال و سه ماه پس از آغاز حکومتش. اما در روایت دیگری که به‌نظر همین روایت درست است، آمده که عثمان گفت: هنوز سیزده سال از زمان پیامبرتان نگذشته است. پس می‌شود اواخر سال ۲۴ق و اوائل سال ۲۵ق که همان وقتی است که مورخین گفته‌اند ارمنستان در آن سال فتح شد. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) به‌ویژه که حضور حذیفه در مسجد کوفه در زمان امارت ولید بن عقبه بوده است که

سال ۲۵ق به امارت کوفه رسید و سال ۳۰ق برکنار شد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ص ۸۲ و ۱۰۵) بنابراین، توحید مصاحف در سال‌های اولیه حکومت عثمان شروع شده و این نشان می‌دهد که این اختلاف پیش از او نیز وجود داشته است.

این امر را روایتی که از پسر زبیر نقل شده است نیز تأیید می‌کند: مردی به عمر بن خطاب مراجعه کرد و گفت: مردم در قرائت با هم دچار اختلاف شده‌اند. عمر اراده کرده که مصاحف را جمع کند و آن‌ها را مطابق یک قرائت قرار دهد اما مورد حمله قرار گرفت و پس از مدتی مُرد (آخرین ماه سال ۲۳ق). همان مرد در زمان حکومت عثمان دوباره اختلاف مسلمانان را یادآوری کرد و این بار عثمان اقدام به توحید مصاحف کرد. کسی را پیش عایشه فرستاد از او خواست که صفحه‌ای که پیامبر خدا در آن‌ها قرآن را نوشته است، بیاورد. (ابن شبهه، ۱۳۹۹، ص ۹۹۰)

با قطع نظر از ذیل این حدیث و انتساب آن مصحف به پیامبر خدا و نه ابوبکر، و همچنین ذکر نام عایشه که با سایر احادیث که از حفصه نام برده شده، مخالف است و بعید نیست پسر زبیر در راستای فضیلت‌تراشی برای خاله‌اش، عایشه چنین کاری را کرده باشد، این حدیث نشان می‌دهد که این اختلاف پیش از این هم وجود داشته است. بنابراین، قبل از عثمان هم چنین اختلافی بوده و منجر به درگیری نیز شده بوده است. البته برخی سال ۳۰ق را نیز برای توحید مصاحف مطرح کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۲) که به نظر می‌آید با توجه به زمان‌بر بودن تهیه نسخه‌های مختلف و ارسال آن‌ها به شهرها، سال پایان کار باشد نه آغاز آن. (قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۲۱) بنابراین، این اختلاف از نظر مکانی و زمانی در برخی از شهرهای اسلامی و در دهه سوم هجری قمری بوده است؛ اما در شهرهای کوفه و مدینه و در بازه زمانی ۲۳ تا ۲۵ق شدت یافته است و در نتیجه، مسلمانان به فکر توحید مصاحف افتاده‌اند.

۲-۱-۲-۱. چرایی عدم وقوع اختلاف در موسم حج

پس از آشنایی با گستره زمانی و مکانی به‌سوالی که در این زمینه وجود دارد می‌پردازیم. آن پرسش هم این است که چرا چنین اختلافی در مکه مکرمه و سفر حج خودش را نشان نداد؟ هر ساله مسلمانان فراوانی برای عمل حج به مکه آمده و چندین روز را در کنار هم سپری می‌کردند. ولی هیچ گزارشی از اختلاف مسلمانان بر سر قرائت قرآن در سفر حج دیده نشد! مگر چه تفاوتی بین اجتماع مسلمانان در مرز با اجتماع مسلمانان در مکه وجود داشته است؟ بلکه با

توجه به عبادی بودن ماهیت حج، ظهور اختلاف در این زمان و مکان متوقع تر از هر جای دیگر است.

شاید گفته شود که چون حج تمتع در روزهای محدود و خاصی انجام می‌شود، زمان کافی برای آشنایی مسلمانان با قرائت هم و در نتیجه، طرح مسئله اختلاف قراءات فراهم نیست. اما نباید فراموش کرد که در حج اعمالی همچون وقوف در عرفات و مشعرالحرام وجود دارد که مورد اتفاق خاصه و عامه است. (شهیدثانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۰؛ هاشمی، ۱۴۳۲، ج ۷، ص ۱۵۶ و ۱۶۱) هرچند صرف بودن در این مکان و زمان برای تحقق این دو واجب کفایت می‌کند اما چنانکه مستحب است اکثر حجاج در این مدت، به ویژه با احیا نگهداشتن شب عید قربان، وقتشان را صرف قرائت قرآن، دعا و ذکر می‌کنند. (شهید ثانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۲) بنابراین، در همین روزهای محدود هم امکان اطلاع مسلمانان از قرائت‌های مختلف یکدیگر بوده است.

احتمال دیگر این است که چون یکی از محرمات احرام «جدال» است، شاهد نزاع نیستیم. (البقره: ۱۹۷) اما اولاً مراد از جدال در فقه شیعه اجتناب از گفتن «لا والله و بلی والله» (کلینی، ۱۴۳۰، ص ۳۸۷) و یا مطلق سوگند خوردن است؛ و در فقه عامه یعنی دشمنی و مجادله‌ای که منجر به غضب شود. (هاشمی، ۱۴۳۲، ج ۶، ص ۳۰۷) بنابراین، حرمت جدال هیچ منافاتی با این ندارد که مسلمانان در زمان حج متوجه اختلافشان در قرائت قرآن بشوند و بخواهند بدانند چرا چنین اختلافی رخ داده و بالاخره قرائت درست کدام است؟ ثانیاً همین جدال نیز در صورتی که اثبات حق و یا نفی باطلی بر آن مبتنی باشد، جایز است؛ (شهید ثانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۲) و چه حقی برتر از قرآن و چه باطلی بدتر از تحریف و تغییر قرآن؟ بنابراین، این پاسخ نمی‌تواند درست باشد.

شاید بتوان بدین شکل پاسخ داد که هرچند اختلاف مسلمانان در قرائت امر رایجی بوده اما حذیفه برای اولین بار در مرز از ادامه چنین اختلافی احساس خطر کرده و به فکر توحید مصاحف افتاده است. چنانکه در موارد مشابه نیز وقتی کسی از موضوعی احساس خطر می‌کند و در مقام مبارزه با آن بر می‌آید، بدین معنا نیست که پیش از او آن مشکل وجود نداشته و یا او پیش از این با آن مشکل روبه‌رو نشده است؛ بلکه شخص مصلح در یک زمان و مکانی به این نتیجه می‌رسد که وضعیت کنونی نباید به همین شکل ادامه پیدا کند و می‌کوشد اوضاع را به گونه‌ای که درست می‌پندارد، در بیاورد. نکته دیگری که نباید فراموش شود، روحیه خشن نوع جنگ‌جویان است و بعید نیست این خصیصه نیز در شدت یافتن اختلاف در مرز موثر بوده باشد.

۲-۲-۲. متعلق اختلاف

پرسشی که در این بخش به آن پاسخ داده خواهد شد این است که مسلمانان در چه چیزی با هم اختلاف داشته‌اند؟ در برخی از روایات تنها به اختلاف اهل شام و عراق با هم اشاره شده و نامی از متعلق اختلاف نیامده است؛ اما در برخی دیگر متعلق اختلاف نیز ذکر شده است. این گروه دوم خودشان بر دو گونه‌اند. گاهی به صورت کلی فقط گفته شده صحابه بر سر قرائت آیه‌ای با هم اختلاف داشته‌اند و مشخص نیست کدام آیه مراد است. اما در یک مورد به صورت مشخص، آن آیه هم ذکر شده است. تنها نمونه مشخص این روایات، آیه ۱۹۶ سوره بقره می‌باشد که به دو شکل قرائت شده است:

- ﴿وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾؛

- «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلْبَيْتِ».

با مراجعه به کتب اختلاف قرائت، مشخص شد، قرائت متفاوت این آیه، البته با قطع نظر از اعراب «العمرة» که در رفع و نصب آن اختلاف است، به عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، علقمه و امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده شده است. غیر از قرائت شاذ بالا قرائت‌های شاذ و مختلف دیگری نیز از ابن مسعود نقل شده است:

- «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِلَى الْبَيْتِ»؛

- «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِلَى الْبَيْتِ لِلَّهِ»؛

- «وَأَقِيمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِلَى الْبَيْتِ» (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۱۷۰؛ خطیب، ۱۴۲۲، ص ۲۶۸).

- «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ بِالْبَيْتِ». (ثعلبی، ۱۴۲۲، ص ۹۵)

بنابراین، مطابق این روایات، متعلق اختلاف مسلمانان در حد کلمات آیات بوده است و برای بیشتر از آن دلیلی از روایات مورد نظر نداریم.

۲-۲-۲-۱. چرایی قرائت «الی البیت»

برخی قرائت شاذ ابن مسعود را حمل بر تفسیر کرده‌اند؛ نه این که وی معتقد بوده آیه بدین شکل نازل شده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ص ۲۶۶؛ ابوحنیفه اندلسی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۵) اما با قطع نظر از این که هدف ابن مسعود چه بوده، این سوال پیش می‌آید که چرا وی به جای «لله»، «للبيت» یا «الی البیت» خوانده و یا این گونه تفسیر کرده است؟ آیه ۱۹۶ سوره بقره در جریان صلح حدیبیه

نازل شد. (واحدی، ۱۴۱۹، ص ۶۲) مسلمانان با وجود مُحرم شدن نتوانستند خودشان را به کعبه برسانند. (واقدی، ۱۴۰۹، ص ۶۱۲) در آغاز آیه حکم حج و عمره در شرایط عادی بیان شده و این که بر محرم واجب است با رفتن به سوی خانه خدا (الی البیت)، حج و عمره را به پایان برساند. در ادامه، وظیفه کسی بیان شده است که از رسیدن به خانه خدا ممنوع است (نجفی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷).

به نظر می‌رسد ابن مسعود آیه را با قید «الی البیت» خوانده است تا نشان دهد در شرایط عادی مناسک حج و عمره باید تا خانه خدا ادامه یابد و کامل گردد. (نجفی، ۱۴۰۱) داستان قرائت «البیت» نیز همین است و در حقیقت «لام» در آن به معنای «الی» می‌باشد؛ همانند آیه ۳۸ سوره یس: «لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» که به صورت «الی مستقر لها» هم قرائت شده است. در این آیه اختلاف دیگری هم بر سر اعراب «العمره» رخ داده و منجر به دو قول متفاوت درباره وجوب عمره شده که بحث آن غیرمرتبط با این نوشتار است.

۳-۲-۲. دلیل اختلاف

علت اختلاف مسلمانان این بود که اهالی هر شهر قرآن را از یکی از اصحاب فراگرفته بودند و قرائت‌های صحابه با هم مختلف بود؛ چنانکه امروزه نیز در کتب قراءات، شاهد قرائت‌های مختلفی منسوب به صحابه هستیم. در اکثر روایات از اختلاف اهل شام و اهل عراق سخن به میان آمده است؛ اهل شام به قرائت ابن کعب می‌خواندند و اهل عراق به قرائت ابن مسعود. اما در برخی از روایات هر کدام از اهل شام و اهل عراق نیز به دو دسته مختلف تقسیم شده‌اند. تفصیل این دسته‌ها در جدول پایین آمده است:

قاری	شهر	
عبدالله بن مسعود	اهل کوفه	اهل عراق
ابوموسی اشعری	اهل بصره	
مقداد بن اسود	اهل حمص	اهل شام
احتمالا ابی بن کعب	اهل دمشق	



همان‌طور که مشخص است بسترهای فرهنگی - اجتماعی شهرهای مختلف جهان اسلام در پدید آمدن قرائات مختلف، نقش مهمی داشته‌اند. با توجه به دسترسی مردم شهرهای مختلف به صحابه مختلف، به مرور دیدگاه‌ها و حتی قرائات مختلفی در شهرها به وجود آمد. (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۷۲؛ عترت دوست، ۱۳۹۷، ص ۹۰؛ ذوقی، ۱۳۹۶، ص ۳۷) برای نمونه، مدینه سنت‌گرا بود و اهل حدیث، اما کوفه به تبع ابن مسعود اهل رأی و اجتهاد. (مروتی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۴-۲۳۶) اهل رأی از انتساب احکام مطابق رأیشان به پیامبر خدا و حتی خواندن قرآن مطابق با آن‌ها ابایی نداشتند؛ از این رو، شاهد قرائاتی هستیم که ریشه در آرای کلامی و فقهی قاریان دارد و نه بالعکس. (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۰۲ و ج ۶، ص ۱۸؛ رک: نجفی، ۱۳۹۴) بنابراین، دستکم در آن زمان چهار قرائت بین مسلمانان رواج داشته است.

هر چند آشکارا در این روایات نیامده است که چرا صحابه با هم دچار اختلاف شده‌اند اما برخی از فقرات می‌توانند در رسیدن به پاسخ این پرسش مفید باشند. در تنها نمونه‌ای که در روایات شاهد آن هستیم، اختلاف بر سر «الله» و «للیت» بوده است. این اختلاف نه ناشی از شنیدن، بلکه احتمالاً ناشی از خوانش یک متن بدون نقطه و شاید بدخط و یا آسیب‌دیده می‌باشد. شاید کسی «الله» را «للیت» دیده و خوانده است. چنین اختلافی هر چند بیشتر از جنس اختلافات پس از توحید مصاحف است نه پیش از آن، اما این احتمال وجود دارد که خود ابن مسعود در مصحفش «الله» نوشته بوده اما بعداً به هر دلیلی گمان کرده که «للیت» نوشته است. این احتمال هم هست که کسی بعدها به علت بی‌معنادانستن «و أمّوا الحجّ و العمرة للیت»، «للیت» را به صورت «الی‌البت» تصحیح کرده باشد و همو و یا شخص دیگری بین دو قرائت جمع کرده باشد و نوشته باشد: «الی‌البت لله!» (خطیب، ۱۴۲۲، ص ۲۶۸) و شاید هم بین این آیه و آیه ۳۳ سوره حج که در آن «الی‌البت» آمده، خلط شده باشد.

البته چون اصل عدم خطا است، احتمال اقوی همان می‌باشد که در بحث قبل گذشت؛ اما نکته مهم این است که هم زمانی که حدیفه از اختلاف با خبر شد، سخن از توحید مصاحف به میان آورد، (غانم قدوری، ۱۴۲۵، ص ۹۰) و هم هنگامی که عثمان اختلاف شاگردان و معلمان را دید، بلافاصله دستور به توحید مصاحف داد. (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۲) در تنها نمونه‌ای هم که از اختلاف به دست ما رسیده، اختلاف در اصل کلمه و در نتیجه، اختلاف مصاحف کاملاً مشهود است و ارتباطی با اموری همچون اختلاف در چگونگی قرائت و یا تلفظ یک کلمه ندارد. بنابراین، علت اختلاف قرائت مسلمانان اختلاف مصاحف صحابه با هم بوده است؛ از این رو،

تصمیم گرفتند یک مصحف را به‌عنوان «مصحف امام» به‌مردم معرفی کنند و مابقی مصاحف را از بین ببرند؛ تا همگی قرآن را مطابق آن قرائت کنند.

سلیمانی نیز با تفکیک درست بین اختلاف قرائت پیش از توحید مصاحف و پس از آن، گفته‌است پیش از توحید مصاحف از میان علل ذکرشده برای اختلاف قرائت تنها چند امر باعث اختلاف بوده‌اند و به‌اموری اشاره کرده‌که وجه مشترک همه آن‌ها اختلاف در جوهر و سیاهی قرآن می‌باشد. وی در ادامه با اشاره به «تکفیر» صورت‌گرفته در این اختلافات، متذکر می‌شود که اموری همچون «اختلاف در لهجه، ابتدایی بودن خط و احیاناً روایات مختلف در قراءات» نمی‌توانسته‌اند موجبات تکفیر یکدیگر را فراهم آورند. چنانکه چون توحید مصاحف نمی‌توانسته اموری همچون «اختلاف در لهجه و ابتدایی بودن خط» را از بین ببرد، پس این امور نیز باعث اختلاف نبوده‌اند. بنابراین، اختلاف در جوهر لفظ و ورود لفظ غیر قرآنی به‌قرآن باعث اختلاف بوده‌است. (سلیمانی، ۱۳۷۵، صص ۳۶-۳۷)

هرچند در این تحقیق به‌جهت عدم توجه به‌روایات حاکی از اختلاف مسلمانان، برای وقوع خارجی این احتمالات، موید و شاهی اقامه نشده‌است، اما می‌توان با استناد به‌اختلاف دستکم دو نفر از مسلمانان بین «الله» و «للّیت» این ادعا را مستدل ساخت. اما برخی از احتمال‌های این تحقیق همچون این‌که اختلاف در تعداد سوره و جایگاه آن‌ها می‌توانسته منجر به‌تکفیر یکدیگر شود، (سلیمانی، ۱۳۷۵، ص ۲۶) نه‌تنها مویدی از روایات ندارد بلکه با توجه به‌مواردی که به‌عنوان متعلق اختلاف ذکر شده‌است، می‌توان گفت: علت تکفیر، اختلاف در حد کلمه و حداکثر آیه بوده‌است؛ نه‌بود و نبود یک سوره و یا جایگاه آن در مصحف؛ وگرنه دستکم باید به‌گونه‌ای به‌اختلاف مهمی همچون بود و نبود یک سوره اشاره می‌شد. بنابراین، اختلاف مصاحف صحابه مهم‌ترین عامل اختلاف مسلمانان در این عصر بوده‌است. برای این‌که شناخت بهتری از این علت پیدا کنیم، نگاهی به‌اطلاعات نقل‌شده درباره این مصاحف، می‌اندازیم.

۱-۳-۲-۲. مصاحف صحابه

با توجه به‌این‌که اختلاف اصلی بین ابن‌مسعود و ابی‌بن‌کعب بوده‌است، به‌همین دو مصحف اکتفا می‌کنیم. مهم‌ترین تفاوت‌های این دو مصحف در اموری همچون تعداد سوره‌ها، جایگاه سوره‌ها،



قرائت‌های ترادفی، اضافات تفسیری، فزونی و کاستی واژگانی در برخی از آیات، بسمله داشتن و نداشتن سوره براءت و «حم» داشتن و نداشتن سوره زمر بوده است. از جمله اضافات تفسیری در مصحف ابی که احتمالاً برگرفته از تبیین‌های نبوی باشند، می‌توان به «إلی أجل مسمى» در آیه ۲۴ سوره نساء و «متتابعات» در آیه ۸۹ سوره مائده اشاره کرد. (سجستانی، ۱۴۲۳، صص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۲۵)

اما به نظر می‌رسد میان این اطلاعات با روایات دال بر اختلاف مسلمانان هماهنگی کاملی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، همه این امور نمی‌توانسته‌اند سبب اختلاف مسلمانان شده باشند؛ چراکه در روایات مطلبی که دال بر اختلاف مسلمانان بر سر یک سوره باشد، یافت نشد. چنانکه قرینه‌ای مبنی بر این که اختلاف به خاطر تعداد سوره‌ها و یا تقدیم و تأخیر آن‌ها بوده است، دیده نشد؛ و بلکه اصلاً بعید است که امری مثل تقدیم و تأخیر سوره‌ها باعث اختلاف مسلمانان شده باشد. مهم‌تر این که تنها نمونه‌ای که در روایات بیان شده است، یعنی اختلاف بین «لله» و «للیت»، نه قرائت ترادفی است و نه اضافه تفسیری و نه کاستی و فزونی در آیه. لذا این امور احتمالاتی هستند که روایات حاکی از اختلاف آن‌ها را تأیید نمی‌کنند.

۴-۲-۲. شدت اختلاف

اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن به گونه‌ای بوده است که با هم مراء و جدال داشته (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۰۳، ص ۳۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۲) و دچار تنازع و اختلاف شده بودند؛ (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۱) نزاع و جدالی که منجر به تکذیب، تکفیر و درگیری با یکدیگر شده است. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ص ۲۰؛ علاف، ۱۴۲۰، ص ۱۳۷) این نزاع و اختلاف به گونه‌ای بوده که به گفته حذیفه نزدیک بوده است «فتنه» به پا شود. (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۳) در روایات برای خبر دادن از ناسازگاری مسلمانان با هم از تعبیر «اختلاف» استفاده شده است. «اختلاف» در لغت ضد «اتفاق» است. (فیروزآبادی، بی‌تا، ص ۱۸۶) وقتی دو چیزی با هم مختلفند یعنی با هم مساوی نیستند. (مهنا، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۱) اما دو چیز مخالف لزوماً با هم متضاد نیستند؛ چراکه خَلَفَ اعم از ضدّ است. در حقیقت، هر دو ضدّی، مختلفند اما هر دو چیز مختلفی، ضدّ نیستند. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۹۴)

۱. البته مطابق قرائت «و اتموا الحجّ و العمرة الى البيت لله» می‌توان اختلاف را از نوع اضافه تفسیری دانست اما مطابق قرائت «و اتموا الحجّ و العمرة للبيت» که در احادیث مورد نظر ما آمده، چنین احتمالی بدون قرینه است.

واژه دیگری که در این روایات برای حکایت از اختلاف به کار رفته، واژه «مراء» است. مراء در لغت به معنای جدل و مجادله است (ازهری، بی تا، ص ۲۰۴؛ ابن درید، بی تا، ص ۱۰۶۹) و به کلامی گفته می شود که در آن شدت و تندی باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۳۱۵) چراکه هدف شخص از چنین جدلی طعن به کلام طرف مقابل و تحقیر اوست نه یافتن حقیقت. نکته مهم درباره «مراء» این است که چنین مجادله‌ای برخاسته از شک و تردید است. (زبیدی، بی تا، ص ۱۸۳) بنابراین، مسلمانان در برخی از موارد در حالی که نسبت به قرائت خود شک داشتند اما احتمالاً در راستای مخالفت با طرف مقابلشان که شاید به دلیل دیگری با هم خصومت داشته‌اند، با او تندی می کردند. شاید تعبیر «یزعمون» در برخی از روایات اشاره به همین امر باشد. (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۵)

۱-۲-۲-۲. دو گزاره متفاوت در روایات

درباره اختلاف اقلیت شاهد دو گزاره متفاوت هستیم که به نظر با هم سازگاری ندارند. مطابق برخی از روایات، اختلاف اقلیت در حدی بوده که همدیگر را تکفیر می کردند. حذیفه درباره اختلاف اهل عراق و اهل شام در مرز گفته است: «فیکفّر بعضهم بعضاً». (طبرانی، ۲۰۰۸، ص ۲۰) مطابق همین نقل، اهل عراق قرائت اهل شام را نشنیده بودند و برعکس؛ و در نتیجه، همدیگر را تکفیر می کردند. درباره اوضاع مدینه در زمان عثمان نیز نقل شده است: «کفر بعضهم بعضاً». (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) حتی در برخی از روایات سخن از درگیری نیز آمده است: «حتی اقتتل الغلمان و المعلمون». (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۲) اما مطابق برخی دیگر از روایات، اختلاف تنها بر سر قرائت افضل، اقوم، احسن و بهتر بوده است، نه قرائت درست و نادرست: «قراءتی أصح من قراءتک و أقوم لسانا»، (نویری، ۱۴۲۴، ص ۱۰۹) «إن قراءتی أحسن من قراءتک» (علّاف، ۱۴۲۰، ص ۱۳۸) و یا «أهل حمص یقولون قراءتنا خیر من قراءه غیرنا». (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ص ۵۸۳؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۵)

البته در برخی از موارد کلمه‌ی بر وزن اسم تفضیل، مجرد از معنای مفاضله می باشد و در معنای صفت مشبّهه و یا اسم فاعل به کار می رود. (الروم: ۲۷؛ الأنعام: ۱۲۴؛ طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۱) چنانکه ممکن است گاهی اسم تفضیل به کار رفته باشد اما آن صفت تنها در یک طرف وجود داشته باشد. (التوبه: ۱۰۹) همچنین ممکن است اسم تفضیل به کار برود اما آن صفت در هیچ طرفی وجود نداشته باشد. (الیوسف: ۳۳) اما نباید فراموش کرد که همه این موارد بر خلاف



اصل و نیازمند قرینه است که در بحث ما چنین قرینه‌ای وجود ندارد؛ مگر این که گفته شود تکذیب، تکفیر و درگیری افراد با هم بهترین قرینه است که در پاسخ می‌توان گفت: شاید علت این تکذیب و تکفیر به جهت احتمالی باشد که به زودی می‌آید.

اما در هر صورت، به نظر می‌رسد که در حکایت این ماجرا شاهد کمی بزرگ‌نمایی هستیم؛ چراکه راوی پس از این که مدعی می‌شود اهل شام قرائت اهل عراق را نشنیده بودند و برعکس و در نتیجه یکدیگر را تکفیر کردند، مثالی را برای اختلاف بیان کرده است. (طبرانی، ۲۰۰۸، ص ۲۰) در این مثال تنها اختلافی که بین دو قرائت وجود دارد دو کلمه «الله» و «اللیت» است که هر چند اختلاف مهم و قابل توجهی می‌باشد و شاید در اختلاف تابعین درباره وجوب یا استحباب عمره نیز موثر بوده باشد (خضیری، ۱۴۲۰، ص ۸۵۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۲۲) اما به‌رحال نشان می‌دهد که اختلاف از گستره فراوانی برخوردار نبوده و در حد کلمه بوده است. به‌ویژه که می‌دانیم در چنین مواردی معمولاً مثالی از باب نمونه بیان می‌شود که بیشترین اختلاف در آن رخ داده است.

البته احتمال قوی‌تر که پیش‌تر وعده آن را دادیم این است که مسلمانان به‌خاطر اهتمام شدید به نقل دقیق و امانت‌دارانه قرآن حتی نسبت به کوچکترین تفاوت‌ها حساس بودند و از این رو، نمی‌توانستند نسبت به آن ساکت بمانند و اعتراضی نکنند. به‌خاطر همین، حتی تفاوت‌های اندک نیز منجر به اختلاف‌های بزرگی می‌شده است. موید احتمال اغراق، واژه «استعظم» در این روایات است: «و أنکر ذلک و استعظمه». (ابن خلدون، ۱۴۰۸ ص ۵۸۳) این واژه در لغت به معنای بزرگ دیدن و بزرگ شمردن یک شیء است: «اسْتَعْظَمَ زَيْدٌ الْأَمْرَ: عَدَّهُ وَ رَأَه عَظِيمًا». (حیدری، ۱۳۸۱، ص ۵۰۶؛ موسی، ۱۴۱۰، ص ۳۱۸) البته درباره «استعظم» این احتمال هم است که در این جا به معنای «انکار کردن» و عطف آن به «أنکر» عطف تفسیری باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۹۲) که در این صورت این دلیل ناتمام است؛ هر چند عطف تفسیری خلاف اصل است و اصل، مغایرت معطوف با معطوف علیه می‌باشد. (حسن، ۱۴۲۸، ص ۴۷۲)

۲-۲-۴-۲. اختلاف یهود و نصاری در کتب

نکته مهم دیگر این که حدیفه اختلاف مسلمانان بر سر قرائت قرآن را به اختلاف یهود و نصاری در کتاب‌ها تشبیه کرده است. (علاف، ۱۴۲۰، ص ۱۳۷) با اطلاع از مقصود حدیفه درباره اختلاف اهل کتاب می‌توانیم شناخت بهتری از اختلافی که حدیفه از وقوع آن ترس داشت، دست پیدا

کنیم. با جست‌وجوی انجام شده در نرم‌افزار المکتبه الشامله حدیث دیگری غیر از احادیث ماجرای حدیفه که این تعبیر در آن به کار رفته باشد، یافت نشد. درباره عبارت «اختلاف اليهود والنصاری فی الکتب» دو احتمال است:

۱-۲-۴-۲. اختلاف یهودیان با هم بر سر کتاب‌هایشان و همچنین اختلاف مسیحیان با هم بر سر کتاب‌هایشان

مطابق این احتمال باید دید که یهودیان چه اختلافاتی بر سر کتاب مقدسشان که از آن با عنوان «تنخ» یاد می‌کنند، داشته و یا دارند؛ و همچنین مسیحیان بر سر کتاب مقدسشان که از آن با عنوان «بایبل» یاد می‌کنند. نخست به سراغ قرآن می‌رویم. تنها آیه‌ای که در آن از اختلاف در کتاب یاد شده، آیه ۱۷۶ سوره بقره است. در رابطه با این که مراد از اختلاف‌کنندگان، غیر مسلمانان، مشرکین و یا اهل کتاب هستند، بین مفسرین اختلافی نیست. (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ص ۲۸۶) اما درباره این که مراد از کتاب چیست، سه قول است: قرآن، (سمرقندی، ۱۴۱۶، ص ۱۱۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۵۷؛ واحدی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۴۶) تورات و انجیل (طبرانی، ۲۰۰۸، ص ۲۸۹) و مطلق کتب آسمانی. (سبزواری، ۱۴۰۶، ص ۲۰۰) اما مختلف‌فیه هر چه باشد، مهم این است که مراد از آن، اختلاف مورد اشاره حدیفه نبوده است؛ بلکه اختلاف مشرکین در حقانیت قرآن و یا اختلاف اهل کتاب در تفسیر آن بوده است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ص ۲۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۴۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ص ۲۱۰) بنابراین، در قرآن اطلاعاتی در این زمینه وجود ندارد و باید به سراغ منابع دیگر رفت.

کتاب‌های تنخ و یا عهد قدیم توسط افراد مختلف و در حدود هزارسال نوشته شده‌اند. (طاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳) چنانکه روند قانونی شدن آن‌ها نیز در چند قرن انجام شده و برای نمونه، تا قرن دوم میلادی نیز همچنان این عقیده وجود داشته است که برخی از کتب، مقدس نمی‌باشند (کهن، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱-۱۶۴؛ سلیمانی، ۱۳۹۶، صص ۲۰ و ۲۱):

علت اختلاف		نام کتاب
موافقان	مخالفان	
تمثیل‌ها دارای مفهوم معنوی و اخلاقی هستند	مشمول بر مثل و تمثیل بودن	امثال

مطالب متناقض با هم	نبود شرایط تحقق تناقض	
معاشقه یک عاشق و معشوق انسانی	کنایه‌ای از رابطه مابین خداوند و بنی اسرائیل	غزل غزل‌ها
نشأت‌گرفته از عقل و دانش سلیمان ^۱	آغازشدن و پایان‌یافتن آن با سخنان تورات	جامعه سلیمان
تناقضات مطالب آن با هم		
مغایرت چند عبارت آن با تورات	اثبات عدم وجود مغایرت	حزقیال
خروج آتش از کتاب و سوزاندن یک کودک!	استثنایی بودن ماجرای آن کودک	

به‌باور برخی از محققین، مجموعه تورات و قانون شریعت احتمالاً ۴۰۰ ق.م، بخش انبیاء ۲۰۰ ق.م و بخش مکتوبات در ۱۰۰۰ م بسته شد (طاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲). از دیگر اختلاف‌هایی که درباره «تنخ» در بین یهودیان رخ داده می‌توان به این امور اشاره کرد:

۱. سامریان تنها پنج سفر تورات را قبول دارند و سایر صحف را نامعتبر می‌دانند. به‌باور آن‌ها تورات رایج در بین یهودیان که با تورات آنان متفاوت است، توسط عزرای کاتب تحریف شده است. (همان، ص ۱۵۳)

۲. صدوقیان برخلاف فریسیان اعتقادی به تورات شفاهی که از آن با نام «تلمود» یاد می‌شوند، نداشتند. تورات شفاهی توراتی است که به‌باور برخی از یهودیان در کوه طور شفاهاً به‌حضرت موسی علیه السلام نازل و در کنار تورات کتبی سینه‌به‌سینه نقل شده است. (کهن، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴-۱۶۵) درباره اختلاف یهودیان تا پیش از زمان مورد نظر ما (قرن هفتم میلادی) اطلاعات مرتبط بیشتری به‌دست نیامد.

پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام بسیاری از مسیحیان شروع به‌نگارش درباره زندگی‌نامه حضرت (انجیل)، حواریون و رسولانش (اعمال) کردند. در کنار این کتب، نامه‌ها و مکاشفات فراوانی نیز منسوب به حواریون وجود داشتند. مسیحیان درباره اعتبار این نوشته‌ها با هم اختلاف داشتند و دچار چنددستگی شدند. هرکدام از فرقه‌های مسیحی انجیل یا اناجیل

^۱. حضرت سلیمان علیه السلام از نگاه یهودیان و مسیحیان تنها یک پادشاه بوده است و نه پیامبر!

خاص خود را داشتند. برخی از کتب، دوران اختلاف کمی را پشت سر گذاشتند و زودتر از مابقی به رسمیت شناخته شدند اما در نقطه مقابل، برخی دیگر چنین نبودند. تا این که پس از چند قرن کلیسا تنها به ۲۷ کتاب رسمیت و اجازه داد با عنوان «عهد جدید» در کنار کتب عهد قدیم قرار بگیرند. (کاشانی، ۱۳۹۸، صص ۸۳ و ۲۲۹ و ۲۳۱ و ۲۳۴)

۲-۲-۴-۲. اختلاف یهودیان و مسیحیان با هم بر سر کتاب‌هایشان

مطابق این احتمال دوم، باید بررسی شود که یهودیان و مسیحیان چه اختلافی با هم بر سر کتاب‌های مقدسشان داشته و یا دارند. با توجه به این که «تنخ» یهودیان و «عهد قدیم» مسیحیان، بین این دو دین مشترک است، پس باید اختلاف پیرامون این بخش مورد بررسی قرار بگیرد. تنخ و یا عهد قدیم در حقیقت مجموعه واحدی هستند که هر چند از نظر بیشتر محتوا با هم برابرند اما از نظر دسته‌بندی، چینش کتاب‌ها و شمار آن‌ها با هم متفاوتند. (کاشانی، ۱۳۹۸، صص ۴۳) ریشه این اختلاف به زمان اسکندر مقدونی و ترجمه تنخ عبری به یونانی بر می‌گردد. در این ترجمه، هفت کتاب افزوده شد. همین کتاب‌ها بعدها منجر به نزاع‌های الهیاتی بین یهودیان و مسیحیان شد. (سلیمانی، ۱۳۹۶، صص ۱۷ و ۱۸) تا این که سرانجام در حدود سال ۱۰۰م یهودیان در یک شورا نسخه عبری را تنها نسخه قانونی دین یهود اعلام کردند و آن هفت کتاب را غیرقانونی نامیدند. (طاهری، ۱۳۹۰، صص ۱۱۶) اقدامی که با مخالفت مسیحیان و «قانون ثانوی» دانستن آن‌ها روبه‌رو شد. (سلیمانی، ۱۳۹۶، صص ۲۴؛ کاشانی، ۱۳۹۸، صص ۵۸) چراکه تقریباً همه نقل‌های عهد جدید از عهد قدیم بر اساس همین نسخه یونانی است. (سلیمانی، ۱۳۹۶، صص ۲۵) اما به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از این اختلاف‌ها مورد نظر حذیفه نبوده است؛ اهم ادله ما بر این مدعا بر این پایه است:

۱. هیچ مشابهتی بین این اختلاف‌ها با اختلاف‌های داستان حذیفه وجود ندارد. برای نمونه، اگر سور قرآن را معادل اسفار بگیریم، گزارش نشده که اهل عراق با اهل شام بر سر سوره‌ای اختلاف داشته باشند و برخی بگویند چنین سوره‌ای داریم و برخی دیگر بگویند نداریم. البته گفته شده که ابن مسعود درباره معوذتین و حتی درباره فاتحه و همچنین ابی‌بن‌کعب درباره عباراتی موسوم به حفد و خلع دیدگاه‌های خاصی داشته‌اند اما در روایات مورد نظر ما در این نوشتار، شاهد چنین اختلاف‌هایی نیستیم و همیشه و همه جا سخن از آیه است نه سوره؛

۲. همان‌طور که مشاهده شد اختلاف‌ها تنها بر سر برخی از واژگان بوده‌است و نه بیشتر؛ با این‌که اگر اختلاف‌ها شدیدتر بود حتماً در مقام ذکر مثال آن‌ها بیان می‌شدند. مگر این‌که گفته شود اختلاف رایج به این شکل بوده و از این‌رو، این نمونه به‌عنوان مثال بیان شده‌است. اما حتی بر فرض ثبوت این فرض، باز ادعای اختلاف بر سر یک سوره بدون دلیل‌است و هیچ قرینه و شاهدی در روایات مورد نظر ما ندارد؛

۳. اختلاف بر سر تورات شفاهی هرچند شبیه اختلاف بر سر روایات تبیینی در مصاحف می‌باشد و مراد عمر از «مشناه کمشناه اهل الکتاب» نیز ممانعت از نگارش احادیث بوده‌است (عاملی، ۱۴۱۵، ص ۵۹) اما اولاً این فقط اختصاص به یهودیان دارد و نه مسیحیان، ثانیاً در روایات حاکی از اختلاف، قرینه‌ای وجود نداشت که این احتمال را تأیید کند، ثالثاً شاهدی دال بر طرفداری حذیفه از تجرید مصاحف مشاهده نشد؛

۴. بعید است شخصی همچون حذیفه آن‌هم در منطقه جزیره‌العرب که بسیار دور از مراکز یهودیان و مسیحیان بوده‌است، چنین اطلاعاتی را در اختیار داشته باشد. اطلاعاتی که تا همین چند سده پیش نیز حتی در دسترس علمای مسلمان نبودند! اگرچه در مدینه شاهد حضور پررنگ یهودیان هستیم و گزارش‌هایی نیز درباره حضور اندکی از مسیحیان در مکه و مدینه داریم، ولی این اتفاقات مربوط به مراکز اصلی و علمی یهودیان و مسیحیان بوده و بعید است اهل کتاب شبه‌جزیره از آن‌ها مطلع باشند و بر فرض اطلاع، آگاهی دیگران که در بت‌پرستی به‌سر می‌بردند و خداوند در قرآن از آن‌ها با عنوان «امی» یاد کرده، بسیار بعید است. به‌ویژه که در قرآن نیز شاهد اشاره به چنین اموری نیستیم.

احتمال ضعیف دیگر این است که اشاره حذیفه به اختلاف نسخه‌های کتاب مقدس با هم باشد. علت ضعف این احتمال این است که اطلاع از این نوع اختلاف‌ها مربوط به پیش از دوره مدرن می‌باشد و از زمان رنسانس و هم‌زمان با پیدایش نسخه‌های جدید و نقادی شده عهد جدید آغاز شده‌است. (حقانی، ۱۳۹۰، صص ۱۱۴ و ۱۱۵) بنابراین، باید به دنبال اختلاف دیگری بود.

جان برتن این عبارت را به معنای ترس حذیفه از فرقه‌فرقه شدن مسلمانان به خاطر اختلاف قرائت دانسته‌است. (برتن، ۱۳۸۹، ص ۱۹) اما اولاً فرقه‌های مهم مسیحی متاخر از اسلام هستند و در آن زمان هنوز وجود نداشته‌اند؛ ثانیاً با بررسی فرقه‌های یهودی و مسیحی پیش از اسلام مشخص شد که تفرق آنان به دلیل اختلاف بر سر کتاب مقدس نبوده؛ بلکه برعکس تفرق آنان

سبب اختلاف بر سر کتاب مقدس شده است. (رسول زاده و باغبانی، ۱۳۹۱، صص ۲۴۷-۳۴۸. طاهری، ۱۳۹۰، صص ۱۵۱-۱۶۶)

احتمال دیگر این است که اختلاف بین اناجیل چهارگانه در ذهن حدیثه بوده است. البته مراد از این اختلاف، اختلاف‌هایی همچون نسب‌نامه‌های متفاوت و یا گزارش‌های مختلف نیست؛ (هارناک، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲) چراکه اطلاع از این امور جز در سایه آگاهی کامل از متن اناجیل میسر نیست و حدیثه هر چند باسواد بوده، (رامیار، ۱۳۸۰، ص ۲۶۴) اما بعید است که دارای چنین اطلاعاتی بوده باشد. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ص ۲۳۴) بلکه مراد امر دیگری است. توضیح آن‌که مسلمانان معتقدند که انجیل بر حضرت عیسی نازل شده است؛ (الحدید: ۲۷) اما مسیحیان عقیده ندارند که عیسی کتابی به نام «انجیل» آورده یا آن را نوشته و یا به شاگردانش املا کرده است. (رسول زاده و باغبانی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۰؛ شیرازی، بی‌تا، ص ۴۵)

لذا امروزه ما شاهد چهار انجیل متفاوت هستیم که نه به حضرت عیسی بلکه به چهار نفر از حواریون و شاگردان آن‌ها نسبت داده شده است؛ اناجیلی که مطابق باور مشهور مسیحیان پس از عروج حضرت عیسی و تحت الهام روح القدس به نگارش درآمده‌اند! (ضیاء توحیدی، ۱۳۹۳، ص ۷۵) بعید نیست که حدیثه گمان می‌کرده که این چهار انجیل در حقیقت یک انجیل بوده‌اند، اما توسط چهار نفر از حواریون گزارش شده و از این رو، دچار اختلاف و در نتیجه، به این چهار نفر منسوب شده است. چنانکه حتی برخی از علما تا همین چند دهه پیش نیز همین تصور را داشتند که اناجیل در حقیقت چهار نسخه مختلف از انجیل حضرت عیسی هستند. (نوری، بی‌تا، ص ۲۹۵ و ۲۹۶) بنابراین، هیچ بعید نیست که حدیثه هم چنین گمانی را درباره اناجیل داشته و به خاطر همین، هنگامی که می‌دیده قرائت‌های مختلف قرآن نیز به اصحاب نسبت داده می‌شوند، یاد اناجیل اربعه افتاده و از این‌که مبدا قرآن نیز سرانجامی همچون انجیل پیدا کند، نگران شده است. با دقت در روایات می‌توان برای این حدس شواهد و قرائنی پیدا کرد. چنانچه که در رد آن نیز شواهد و قرائنی وجود دارد. در ادامه به اهم این موارد اشاره می‌شود:

- در این اختلاف نیز همانند قضیه اناجیل چهارگانه، شاهد چهار قرائت مختلف از سوی چهار نفر از صحابه هستیم؛
- اهل بصره برای قرآن مطابق قرائت ابوموسی اسم خاص «لباب القلوب» را انتخاب کرده بودند. بنابراین، از این جهت شبیه اناجیل چهارگانه بوده است؛

- حذیفه از این که می‌شنید قرائت و یا مصحف به جای خداوند، به صحابه نسبت داده می‌شود، ناراحت بود. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷) چنانچه اناجیل نیز به حواریون و شاگردان آن‌ها نسبت داده می‌شوند، نه به خدا و یا حضرت عیسی. تنها مشکلی که این قول دارد و البته اشکال بزرگی هم می‌باشد، این است که حذیفه مدام از اختلاف یهود و نصاری در کتب سخن به میان آورده است، حال آن که مطابق این حدس، مراد حذیفه تنها اختلاف بین مسیحیان بوده است و نه یهودیان.

۲-۲-۵. فراوانی اختلاف

هرچند روایات در نگاه نخست ظهور در این امر دارند که این اختلاف بسیار شایع بوده است، اما دقت در روایات نشان می‌دهد که برخلاف تصور اولیه، این اختلاف‌ها همه‌گیر و گسترده نبوده و ترس حذیفه از همه‌گیر شدن این اختلاف‌ها در صورت ادامه یافتن بوده است. از این رو، حذیفه وقتی عثمان را دید به او گفت پیش از این که این اختلاف همه‌گیر شود امت را دریاب: «أَدْرِكُ هَذِهِ الْأُمَّةَ قَبْلَ أَنْ يَخْتَلِفُوا فِي الْكِتَابِ». (ابوعبید، ۱۴۱۵، ص ۱۵۳؛ بخاری، ۱۴۱۰، ص ۱۰۰؛ سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۱)

بنابراین، اختلاف رخ داده محدود بوده و هنوز همه‌گیر نشده بوده است. مطابق برخی دیگر از فقرات، اختلاف نزدیک بوده که منجر به فتنه و آشوب شود اما هنوز به این حد نرسیده بود: «فاختلفوا فيه حتى كاد يكون بينهم فتنه». (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۹۳). مطابق نقل دیگری، اگر فکری نمی‌شد و موضوع به حال خود رها می‌شد، شاهد اختلاف می‌بودیم: «لئن ترک لیختلغن فی القرآن». (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۵) در حقیقت، ترس امثال حذیفه و عثمان از اختلاف مسلمانان نسبت به آینده آن بوده است و این که اگر این اختلاف با همین وضعیت ادامه پیدا کند، مسلمانان نیز همانند اهل کتاب دچار اختلاف خواهند شد. لذا هم وقتی که حذیفه در کوفه برنامه خود را با صحابه و تابعین در نظر گذاشت، و هم هنگامی که عثمان پس از شنیدن هشدار حذیفه، صحابه را جمع کرد و با آن‌ها مشورت کرد، (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ص ۲۱۶) صحابه و تابعین با حذیفه و سپس با عثمان موافقت و تنها ابن مسعود و طرفدارانش مخالفت کردند. (صالحی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۶)

بنابراین، این اختلاف تنها بین اقلیتی از جامعه اسلامی وجود داشته است و همچنان اکثریت مسلمانان در این امر با هم اختلافی نداشته‌اند. (حرعاملی، ۱۴۲۶، ص ۱۰۰) البته مطابق یک نقل همانند اختلاف یهود و نصاری در بین مسلمانان نیز واقع شده است؛ (دانی، ۱۹۷۸، ص ۱۴) اما با

توجه به این‌که در اکثر قریب به اتفاق نقل‌های این روایت، سخن از احتمال وقوع اختلاف در آینده است، متوجه می‌شویم که به احتمال زیاد در این روایت، شاهد عدم دقت در نقل و یا تصحیف هستیم.

حتی مطابق برخی از نقل‌ها علت پیشنهاد حذیفه به عثمان اختلاف مسلمانان نبوده است؛ بلکه حذیفه از این‌که می‌دید برخی می‌گویند ما مطابق ابن‌کعب قرائت می‌کنیم و برخی دیگر می‌گویند قرائت ما مطابق قرائت ابن‌مسعود است، ناراحت بود و اعتقاد داشت چنین امری به اختلاف منجر خواهد شد. درباره مسلمانان در مسجد کوفه نقل شده است: «کرهت أن یقال قراءة فلان و قراءة فلان فیختلفون کما اختلف أهل الکتاب». (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷؛ علاف، ۱۴۲۰، ص ۱۳۷) بنابراین، در برخی از موارد حتی هنوز اختلافی هم رخ نداده بوده و حذیفه اولاً به خاطر کراهت از قرائت قرآن به صورت منسوب به برخی از صحابه و ثانیاً از ترس اختلاف آینده و پیش‌گیری از آن، به شدت واکنش نشان داده و مخالفت کرده است: «حذر من الاختلاف فی القرآن». (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ص ۵۸۳)

۱-۲-۵-۲. ابن مسعود پای ثابت همیشگی نزاع‌ها

هرچند در این روایات از قرائت‌های متعددی همچون مقداد بن اسود، ابی‌بن‌کعب، عبدالله بن مسعود و ابوموسی اشعری سخن به میان آمده و این ظهور دارد که قرائت هر چهار نفر با هم متفاوت بوده است، ولی هر جا سخن از اختلاف و نزاع است، نام ابن‌مسعود به عنوان یک طرف نزاع می‌درخشد:

- اختلاف اهل شام به قرائت ابی‌بن‌کعب با اهل عراق به قرائت ابن‌مسعود؛ (ابوعبید، ۱۴۱۵، ص ۱۵۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ص ۲۰)
- اختلاف مسجد کوفه بین قرائت ابن‌مسعود و قرائت ابوموسی؛ (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷؛ غانم، ۱۴۲۵، ص ۹۰)
- اختلاف معلمان مدینه بین قرائت ابی‌بن‌کعب و قرائت ابن‌مسعود. (ابن حجر، ۲۰۰۳، ص ۳۷)

جایی که گفته شده باشد بین آن سه نفر دیگر و شاگردان آن‌ها اختلافی رخ داده است، مشاهده نشد. بنابراین، به احتمال زیاد بین مقداد، ابی‌بن‌کعب و ابوموسی اختلاف و یا اختلاف معتنا به و چشمگیری که منجر به نزاع شود، نبوده است؛ بلکه قرائت ابن‌مسعود با قرائت این سه

متفاوت بوده است. (فضلی، ۱۴۰۵، ص ۲۴) موبد این احتمال این است که از میان این چهار تن، تنها کسی که مخالفتش با پیشنهاد حدیفه و بعدها با عثمان گزارش شده، ابن مسعود است و در رابطه با مخالفت مابقی مطلبی دیده نشد؛ بلکه به صراحت عدم اختلاف ذکر شده است. (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ص ۵۸۳؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳۵) حتی می‌توان مدعی شد که چون مخالفت طرفداران ابن مسعود به تقلید از او بوده، تنها یک نفر مخالف بوده است. روایت پایین نیز نشان می‌دهد که عثمان پس از مشاهده اختلاف‌ها از اصحاب پیامبر خدا می‌خواهد که در برابر این موضوع با هم متحد شوند. درخواستی که پذیرفته می‌شود و در نتیجه اجتماع اصحاب پیامبر تحقق می‌یابد: «یا أصحاب محمد، اجتمعوا فاکتبوا للناس إماما. فاجتمعوا فکتبوا». (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۲)

با این که روایات ظهور در این امر دارند که هر چهار قرائت با هم متفاوت است، پس عدم مخالفت این سه به چه معناست؟ به ویژه که می‌دانیم مصحف امام تنها بر اساس یک قرائت بوده است؛ مگر طبق برخی از اقوال که دلیل متقنی ندارند. حال درباره غیر از ابن مسعود که مخالفت نکرده‌اند، این سوال پیش می‌آید که چرا آن‌ها با وجود این که می‌دیدند قرائتشان که از پیامبر خدا شنیده‌اند، در حال نابودی است، مخالفتی نکرده‌اند؟! غیر از این که قرائتشان با قرائت ارائه شده در قالب مصحف امام تفاوتی نداشته و دلیلی برای مخالفت نداشته‌اند. با توجه به این که مصحف امام مطابق یک قرائت بوده، مخالفت ابن مسعود و عدم مخالفت آن سه، نشان‌دهنده این است که قرائت این سه با هم و با مصحف امام متفاوت نبوده است؛ بر خلاف قرائت ابن مسعود. در تأیید این مدعا می‌توان به این امور نیز اشاره کرد:

۱. در بیشتر نقل‌های حدیث، تنها از اختلاف اهل شام و اهل عراق سخن به میان آمده است؛ یعنی طرفداران ابی‌ابن‌کعب و ابن‌مسعود. این امر اختصاصی به شهرهای مرزی ندارد و اوضاع مدینه هم دقیقاً به همین منوال بوده است. اشاره پررنگ‌تر به این دو قرائت دستکم می‌تواند نشانه این باشد که نزاع اصلی بین این دو قرائت بوده است نه بین سائر قرائات؛

۲. با بررسی اختلاف‌قرائت‌های نقل شده از صحابه مشخص می‌شود که بیشترین اختلاف از ابن‌مسعود و سپس با اختلاف زیاد از ابی‌ابن‌کعب و باز با اختلاف بیشتری از ابن‌عباس نقل شده و از مقداد و ابوموسی یا اصلاً اختلافی نقل نشده و یا اگر شده، بسیار نادر است. (رک: خطیب، ۱۴۲۲)

البته ناصر مدعی شده است که ابی نیز همانند ابن مسعود به مصحف عثمان نظری مساعد نداشته است. (ناصر، ۱۳۹۸، ص ۳۷) اما هیچ دلیلی مبنی بر نظر مساعدنداشتن ابی یافت نشد و ناصر نیز مستند این ادعای خود را بیان نکرده است؛ به ویژه که می دانیم ابی در گروه توحید مصاحف حضور و بلکه احتمالاً ریاست آن را در یک مقطع برعهده داشته است. (قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۲۰)

حال این سوال پیش می آید که اگر قرائت آن سه با هم متفاوت نبوده، پس چرا از چهار قرائت سخن به میان آمده است؟ احتمالاً چون مردم این شهرها قرائت خود را از این افراد فراگرفته بودند، به نام آن‌ها مشهور شده بود و این لزوماً بدین معنا نیست که قرائت آن‌ها با هم متفاوت بوده است. چنانکه قرائت‌های هفتگانه و دهگانه و ... اگرچه هر کدام به نام شخص خاصی معروف و مشهور شده‌اند، اما این لزوماً بدین معنا نیست که همه این قرائت‌ها با هم متفاوت هستند.

نولده که مدعی شده است که در زمان توحید مصاحف از کسانی که مصحف مرجع داشتند، فقط ابن مسعود و ابوموسی زنده اما مقداد و ابی‌بن‌کعب مرده بودند. (نولده، ۲۰۰۰، ص ۳۳۹) بر فرض صحت این مدعا، استدلال ما نسبت به این دو مخدوش می‌شود و تنها می‌توان به عدم مخالفت ابوموسی اشاره کرد؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که مقداد متوفای سال ۳۳ق است. درباره تاریخ وفات ابی‌بن‌کعب اختلاف است اما قول اثبت سال ۳۰ق می‌باشد. (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۶، صص ۱۶۱ و ۱۸۲) بنابراین، ابی‌بن‌کعب، مقداد و ابوموسی هر سه در زمان توحید مصاحف زنده بوده‌اند و عدم مخالفتشان با هم، و هم چنین با توحید مصاحف و مصحف عثمان، نشان می‌دهد که قرائت این سه با هم متفاوت نبوده و یا دستکم تفاوت چشمگیر نبوده است.

از جمله امور دیگری که سبب شد اهل عراق و شاگردان ابن مسعود همیشه در نزاع بر سر قرآن حضور داشته باشند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. اهل عراق به زیاد سوال کردن مشهور بودند و همین امر مشکلاتی را پدید آورده و سبب ناراحتی برخی همچون ابی‌بن‌کعب و ابن عمر شده بود. ۲. شاگردان ابن مسعود به شدت به او علاقه مند بودند و دوست داشتند آرا و روایات او را نشر بدهند. (مروتی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴ و ۲۲۷)

برخی با توجه به عدم تفاوت قرائت عاصم از زرع که به ابن مسعود می‌رسد با مصحف عثمانی، مدعی شده‌اند که عبدالله بعدها دست از مخالفت برداشت، مصحف خود را از بین برد و مصحفی مطابق با مصحف عثمانی برای خود تهیه کرد. (زرقانی، بی تا، صص ۲۶۹ و ۲۷۷؛ قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۲۲) این امر اگرچه بعید است و با شواهد تاریخی همچون باقی ماندن قرائت متفاوت

او تا زمان حجاج و ایجاد مشکل در آن زمان (رک: حمدان، بی‌تا) و حتی چندین قرن بعد در کوفه (لیم‌هوس، ۱۳۹۰، ص ۳۳۶) ناسازگار، اما بر فرض پذیرش این ادعا مشخص می‌شود که مخالف اصلی این ماجرا نیز بعدها به‌زمره موافقان پیوسته و مسلمانان در این زمینه با هم به معنای واقعی اجماع پیدا کرده‌اند.

نکته دیگر هم این‌که در رابطه با علت مخالفت ابن‌مسعود با توحید مصاحف به‌اموری همچون طرفداری عثمان از ولید در جریان اختلاف او با ابن‌مسعود، و یا انتخاب زید به‌ریاست گروه توحید مصاحف اشاره شده‌است. (قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۲۱) برخی نیز مدعی شده‌اند مخالفت ابن‌مسعود نه‌با اصل توحید مصاحف بلکه با شیوه انجام آن بوده‌است. (زرقانی، بی‌تا، ص ۲۷۶) این ادعاها در حالی است که مطابق روایات، مخالفت او نخستین بار با حذیفه بود و آن هم پیش از فرمان عثمان به توحید مصاحف و انتخاب زید به‌ریاست.

به‌باور برخی هدف عثمان در توحید مصاحف اتمام کار ناتمام عمر در حذف سنت نبوی بوده‌است. او این کار را به‌نام محافظت از واژگان قرآن انجام داد اما در واقع به‌کام تجرید قرآن و حذف روایات تبیینی از مصاحف صحابه تمام شد. (عسکری، ۱۴۱۶، ص ۲۷۳؛ عاملی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵) در این‌که برخی از صحابه عادت داشتند روایات تبیینی را در کنار آیات قرآن بنویسند، شکی نیست. (عسکری، ۱۴۱۶، ص ۲۷۱) چنانچه دشمنی عمر با سنت نبوی و اصرار وی بر «تجرید قرآن» و صدور فرمان «جردوا القرآن» هم قابل انکار نمی‌باشد. (ابوعبید، ۱۴۲۶، ص ۳۲) از این‌رو، نه‌تنها صحف ابوبکر خالی از هرگونه روایت و تفسیری بودند، بلکه عمر چنین مصاحفی را از بین می‌برد. (عاملی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵) اما:

اولاً؛ در روایات مورد بحث ما قرینه‌ای بر این امر یافت نشد.

ثانیاً؛ مطابق روایات نشان دادیم که علت اصلی اختلاف، ابن‌مسعود بوده و برابر برخی از گزارش‌ها مصحف او مجرد از روایات بوده‌است و خودش طرفدار تجرید (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۹).

ثالثاً؛ تجرید مصاحف از روایات در زمان عمر انجام شد: «اقتضت سياسة الخلفاء من بعده أن يجردوا القرآن من حديث الرسول (ص) المبين لمعاني القرآن وبدءوا بذلك في عصر أبي بكر وانتهى الأمر في عصر عمر» (عسکری، ۱۴۱۶، ص ۱۹؛ الهی، ۱۳۹۰، ص ۱۳؛ مروتی، ۱۳۸۱، ص ۲۷)

رابعاً؛ پذیرش اشتباه آیات با روایات و در نتیجه، اختلاف و تکفیر صحابه بر سر چنین امری، به معنای همانندی قرآن با غیر قرآن و هم‌آمیزی آن‌ها است؛ و چنین چیزی با اعجاز قرآن

و توجه وافر صحابه به آن سازگار نیست. (الهی، ۱۳۹۰، ص ۱۷ و ۱۸) ابوریه درباره امکان اختلاط حدیث با قرآن گفته است:

«هو سبب لا یقتنع به عاقل عالم و لا یقبله محقق دارس اللهم اذا جعلنا الاحادیث من جنس القرآن فی البلاغة و أن اسلوبها فی الاعجاز من أسلوبه و هذا ما لا یقره احد، حتی الذین جاءوا بهذا الرأی، إذ معناه إبطال معجزة القرآن، و هدم أصولها من القواعد». (ابوریه، ۱۴۲۰، ص ۵۴)

برخی نیز معتقدند نزاع ابن مسعود با عثمان تنها یک دعوی زرگری با هدف از بین بردن مصاحف مشتمل بر روایات تبیینی بوده است. هرچند ابن مسعود نیز همانند عثمان موافق با تجرید بوده است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۹) اما این ادعا قابل پذیرش نیست؛ چراکه اولاً مخالفت ابن مسعود در کوفه و پیش از دستور عثمان به توحید مصاحف آغاز شد؛ ثانیاً پس از خودداری ابن مسعود از واگذاری مصحفش، عثمان او را از امارت کوفه برکنار کرد و به مدینه فراخواند. (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۰۱) در مسجد مدینه به او بدترین اهانت‌ها را کرد و غلام عثمان او را بلند کرد و به زمین زد؛ به گونه‌ای که دنده‌اش شکست. امیرالمؤمنین او را به خانه‌شان بردند و از او پرستاری کردند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ص ۵۲۴-۵۲۶) سهم او را از بیت‌المال قطع و خودش را نیز مهجور و ممنوع‌الخروج کرد. ابن مسعود نیز در مقابل خون عثمان را حلال دانست و وصیت کرده او را شبانه دفن کنند و عثمان را آگاه ن سازند. (همان؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹، ص ۲۸۶؛ ذوقی، ۱۳۹۶، ص ۳۳)

نکته پایانی هم این‌که بلاشر مدعی شده که انگیزه عثمان برای جمع قرآن، مصلحت طبقه اشراف مکه که از آن‌ها نمایندگی می‌کرده، بوده است؛ (رضوان، ۱۴۱۳، ص ۴۶۵) ولی در این روایات مطلبی که این ادعا را درباره اصل اقدام عثمان به توحید مصاحف و نه انتخاب اعضای گروه تأیید کند، یافت نشد.

نتایج تحقیق

مسلمانان هر شهر برای فراگیری قرآن کریم به یکی از صحابه مراجعه کردند. اختلاف صحابه با هم، به‌ویژه مصاحف آن‌ها، به‌مرور موجب اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن شد. این اختلاف در اجتماعات مسلمانان شهرهای مختلف با هم خود را نشان داد و به‌جدال، تکذیب، تکفیر و درگیری ختم گردید. اوج این اختلاف‌ها در سال‌های ۲۳ تا ۲۵ ق بوده است. مطابق روایات گاه اصلاً



اختلاف نه به خاطر قرائت‌های متفاوت بلکه تنها به خاطر انتساب قرائت‌ها به برخی از صحابه و از ترس اختلاف آینده، بوده است. چنانچه گاه اختلاف بر سر قرائت اصح و احسن بوده است، نه درست و نادرست. در مواردی هم که اختلاف بر سر قرائت درست و نادرست بوده است نیز چنین اختلاف‌هایی هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت محدود بوده‌اند؛ چراکه:

۱. اختلاف در حد کلمه بوده است و برای بیش‌تر از آن دلیلی نداریم.
۲. اختلاف در بین اقلیت بوده و هنوز اکثریت جامعه اسلامی درگیر آن نبوده‌اند؛ البته احتمال وقوع امت در فتنه در آینده وجود داشته است.
۳. خود همین اقلیت نیز به دو گروه اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شدند و باز اکثریت با هم اختلاف و یا اختلاف معتناهی نداشته‌اند. در حقیقت، اختلاف پیش از توحید مصاحف، بین اکثریت مسلمانان با اقلیت مطلق متشکل از عبدالله بن مسعود و مقلدانش بوده است. مطابق برخی از تحلیل‌ها همین اقلیت نیز بعدها دست از مخالفت برداشتند و به‌زمره اکثریت پیوستند.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبه نزارمصطفی الباز.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، علی (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- ابن اثیر، علی (۱۴۰۹ق). *أسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۱۵ق). *الإصابة*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۲۰۰۳م). *فضائل القرآن*، بیروت: مکتبه الهلال.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق). *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: دارالفکر.
- ابن شبه، عمر (۱۳۹۹ق). *تاریخ المدینه*، جدّه: بی‌نا.
- ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۷ق). *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر.
- ابو حیان اندلسی، محمد (۱۴۲۹ق). *البحر المحیط*، بیروت: دارالفکر.
- ابوریه، محمود (۱۴۲۰ق). *أضواء علی السنه المحمديه أو دفاع عن الحدیث*، قم: مؤسسه أنصاریان.

- أبو عبید، قاسم (۱۴۱۵ق). *فضائل القرآن*. بیروت: دار ابن کثیر.
- بخاری، محمد (۱۴۱۰). *الصحيح*. قاهره: وزارة الاوقاف.
- برتن، جان (۱۳۹۸ش). «نگاهی به تاریخ قرآن». *مطالعات قرآن و حدیث سقینه*، شماره ۲۷، صص ۱۲-۵۴.
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*. بیروت: دار الفکر.
- ثعلبی، احمد (۱۴۲۲ق). *الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جفری، آرتور (۱۳۸۶ش). *واژه‌های دخیل در قرآن*. تهران: توس.
- جوهری، اسماعیل (بی تا). *الصحاح*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد (۱۴۲۶ق). *تواتر القرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- حسن، عباس (۱۴۲۸ق). *النحو الوافی*. قم: المحبین.
- حقانی فضل، محمد (۱۳۹۰ش)، «در برابر نقادان: بررسی پاسخ‌های مسیحیان به نقادان کتاب مقدس». *فصل نامه دانشگاه قم*، شماره ۱۲، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- حمدان، عمر یوسف (بی تا). «مشروع المصاحف الثانی فی العصر الأموی». *مجلة البحوث والدراسات القرآنیة*، شماره ۴، صص ۶۳-۱۱۶.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱ش). *معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها*. قم: الدراسات الإسلامیة.
- خضیری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۰ق). *تفسیر التابیین*. ریاض: دارالوطن.
- الخطیب، عبداللطیف (۱۴۲۲ق). *معجم القراءات*. دمشق: دارسعدالدین.
- دانی، عثمان (۱۹۷۸م)، *المقنع فی رسم مصاحف الأمصار*. قاهره: مکتبه کلیات الأزهریة.
- ذوقی، امیر (۱۳۹۶ش). *ملاک‌های ترجیح قرائت و توسعه آن*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- رامیار، محمود (۱۳۸۰ش). *تاریخ قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- رسولزاده، عباس؛ باغبانی، جواد (۱۳۹۱ش). *شناخت مسیحیت*. قم: مؤسسه امام خمینی.
- رضوان، عمر (۱۴۱۳ق). *آراء المستشرقین*. ریاض: دارطیبه.
- زرقانی، عبدالعظیم (بی تا). *مناهل العرفان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زرکشی، محمد (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.

- سبزواری، محمد (۱۴۰۶ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سجستانی، ابوبکر (۱۴۲۳ق). *المصاحف*. القاهرة: الفاروق الحدیثه.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۶ش). *بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی- مسیحی*. تهران: سمت.
- سلیمانی، داود (۱۳۷۵ش). «بررسی علل توحید مصاحف در عصر عثمان». *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۵۹ و ۶۰، صص ۲۵-۳۸.
- سمرقندی، نصر (۱۴۱۶ق). *بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق). *الایقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.
- شهید ثانی، زین‌الدین (بی‌تا)، *الروضه البهیة*. بی‌جا، بی‌نا.
- شیرازی، سلطان الواعظین (بی‌تا)، *صد مقاله سلطانی: راهنمای یهود و نصاری و مسلمین در معرفت تورات و انجیل و قرآن مجید*. تهران: انتشارات اسلامی.
- صالحی شامی، محمد (۱۴۱۴ق). *سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ضیاء توحیدی، محمد (۱۳۹۳ش). *درآمدی بر کتاب مقدس و الهیات مسیحی*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- طاهری آکردی، محمدحسین (۱۳۹۰ش)، *یهودیت*. قم: المصطفی.
- طباطبائی، محمدرضا (۱۳۷۱ش). *صرف ساده*. قم: دارالعلم.
- طبرانی، سلیمان (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*. اردن: دارالکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۷۷ش). *حقایق مهم پیرامون قرآن کریم*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۵ق). *الصحيح من سيرة النبي الأعظم*. بیروت: دارالهادی.
- عزت دوست، محمد (۱۳۹۷ش). *اختلاف قرائت قرآنی و جریان تاریخی- فرهنگی اهل بیت محوری*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عسکری، مرتضی (۱۴۱۶ق). *القرآن الکریم و روایات المدرستین*. ایران: المجمع العلمی الاسلامی.
- علاف، ادیب (۱۴۲۰ق)، *البیان فی علوم القرآن*. دمشق: دارالفارابی للمعارف.

- غانم قدوری، حمد (۱۴۲۵ق). *رسم المصحف*. عمان: دار عمار.
- غلامر ضائی، هادی (۱۳۹۷ش). پایان‌نامه «تواتر قرآن، چیهستی، چرایی، چگونگی و چالش‌ها»، استاد راهنما: سیدهدایت جلیلی، استاد مشاور: روح‌الله نجفی، دانشگاه خوارزمی.
- فخررازی، محمد (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- فضلی، عبدالهادی (۱۴۰۵ق). *القراءات القرآنیة*. بیروت: دارالقلم.
- قاسمی حامد، مرتضی (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی جریان توحید المصاحف در زمان خلافت عثمان». *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، شماره ۱۶، صص ۱۸-۲۶.
- قرطبی، محمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- کاشانی، محمد (۱۳۹۸ش). *در سنامه مسیحیت؛ شناخت و بررسی عهدین*. قم: خاتم النبیین.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۴۳۰ق). *الکافی*. قم: دارالحديث.
- کهن، آبراهام (۱۳۹۰ش). *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، تهران: اساطیر.
- لیم هوس، فردریک (۱۳۹۰ش)، «قراءات قرآن»، ترجمه: مژگان آقایی و راحله نوشاوند، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۶۶، صص ۳۳۴-۳۵۱.
- مروتی، سهراب (۱۳۸۱ش). *پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن کریم (سده نخست هجری)*. تهران: نشر رمز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۴ش). *علوم قرآنی*. قم: موسسه تمهید.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸ش). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه التمهید.
- مفتخری، حسین؛ کوشکی، فرشته (۱۳۸۴ش). «قراء و نقش ایشان در تحولات قرن اول هجری»، *تاریخ اسلام*، شماره ۲۲، صص ۱۱۰-۶۳.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ق)، *الإفصاح فی فقه اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ناصر، شادی حکمت (۱۳۹۸ش). *نقل قراءات قرآن: مسئله تواتر و پیدایی قراءت‌های شاذ*، ترجمه: شاه‌پسند و عبدی، تهران: کرگدن.

- نجفی، روح‌الله (۱۴۰۱ش). در مقام پاسخ به پرسش نویسنده از طریق رایانامه r.najafi@khu.ac.ir
- نجفی، روح‌الله (۱۳۹۴ش). «تاثیر انگاره‌های کلامی در اختلاف قرائت آیات صفات الهی». *آینه معرفت*، شماره ۴۵، صص ۵۵-۷۲.
- نجفی، روح‌الله (۱۳۹۵ش). «کارکرد قرائت عبدالله ابن مسعود در تبیین آیات الاحکام»، *مطالعات علوم اسلامی - علوم قرآن و حدیث*، شماره ۹۶، صص ۱۳۹-۱۶۱.
- نسائی، احمد (۱۴۱۱ق). *السنن الکبری*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- نوری، حسین (بی تا). *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب*. بیروت: مرکز الدراسات الفکریه.
- نولدکه، تئودور (۲۰۰۰م). *تاریخ قرآن*. ترجمه: جورج تامر و هیلدسهایم، نیویورک: دارنشر جورج المز.
- نویری، محمد (۱۴۲۴ق). *شرح طیبۃ النشر فی القراءات العشر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- واحدی، علی (۱۴۱۹ق). *أسباب نزول القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- واحدی، علی (۱۴۱۵ق). *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*. بیروت: دارالقلم.
- واقدی، محمد (۱۴۰۹ق). *المغازی*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- هارناک، آدولف (۱۳۹۵ش)، *خاستگاه عهد جدید و مهم‌ترین پیامدهای پیدایش آن*. ترجمه: حامد فیاضی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۳۲ق). *موسوعه الفقه الإسلامی المقارن*. قم: موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- الهی خراسانی، محمد (۱۳۹۰ش). «تجرید قرآن از روایات»، *فصل‌نامه جستار*، شماره ۲۹، صص ۹-۲۰.
- یعقوبی، احمد (بی تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دارصادر.

Bibliography:

The Holy Quran.

Abu Hayyan Andalusi, Muhammad. (1429 AH). Al bahr al muhit. Beirut: Dar Al Fikr

Abu Rayya, Mahmoud. (1420 AH). Lights on the Muhammadan sunnah or defense of the hadith. Qom: Ansaryaan Institute.

Abu Ubaid, Qasim. (1415 AH). Virtues of the Qur'an. Beirut: Dar ibn Kathir.

Al Baladhuri, Ahmad. (1417 AH). Ansab Al Ashraaf. Beirut: Dar Al Fikr

Al Khatib, Abdul Latif. (1422 AH). Mu'jam Al Qiraat. Damascus: Dar Sad al Din

Allaf, adib. (1420 AH), Al Bayan fi Ulum Al Quran. Damascus: Dar Al Farabi.

Amili, Jafar Mortaza. (1377 SH). Important facts about the Holy Quran. Qom: An Islamic publication book.

Amili, Jafar Mortaza. (1415 AH). Al Sahih Men Sirat Al Nabi Al Azam. Beirut: Dar al Hadi

Askari, Mortaza. (1416 AH). Al quran Al karim Wa Rewayaat Al Madresatain. Iran: The Islamic Scientific Academy

Bukhari, Muhammad. (1410AH). Sahih Al Bukhari. Cairo: Ministry of Endowments

Burton, John. (1398 SH). "A look at the history of the Qur'an". Safineh Journal, 12-54.

Daany, Othman. (1978), Al Moqnae Fi Rasm Al Masahef Al Amsaar. Cairo: Al Azhar Colleges Library

Elahi Khorasani, Mohammad. (1390 SH). "Separating the Qur'an from Narrations", Jostar. 9-20.

Etrat Doost, Mohammad. (1397 SH). Differences of Qur'anic readings and Ahl al Bayt (AS) oriented historical cultural current flow. Tehran: Imam Sadiq (peace be upon him) University.

Fakhr razi, Muhammad. (1420 AH). Mafaatih Al Qheib. Beirut: Dar Al Ehya Al Toras Al Arabi.

Farahidi, Khalil. (1409 AH). Kitab al 'Ayn. Qom: Hejrat

Fazli, Abdul Hadi. (1405 AH). Quranic readings. Beirut: Dar Al Qalam

Ghanem Qadouri, Hamd. (1425 AH). Rasm Al Masaahaf. Amman: Dar Ammar

- Haghani Fazl, Mohammad. (1390 SH), "Against Critics: Examination of Christian Responses to the Critics of the Bible". Journal of theological philosophical research, 113-133.
- Haidari, Muhammad. (1381 SH). Mojam AL Af'aal. Qom: Islamic Studies
- Harnack, Adolf. (1395 SH), the orgin of the New Testament. Translated by: Hamed Fayazi, Qom University of Religions and denominations.
- Hassan, Abbas. (1428 AH). Al Nahw Al waafi. Qom: AL Mohebbin.
- Hurr al Amili, Muhammad. (1426 AH), Tawatur of the Qur'an. Tehran: Dar Al kotob.
- Ibn Abi Al Hadid. (1404 AH). Sharh Nahj Al Balaghah. Qom: Al Marashiya Library.
- Ibn Abi Hatam, Abdul Rahman. (1419 AH). Tafsir Al Qur'an al 'Azim. Riyadh: Nizar Mustafa Al Baz Library.
- Ibn Athir, Ali. (1385 AH). Al Kamel fi Al Tarikh. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Athir, Ali. (1409 AH). Usd Al ghabah fi Marifat Al Sahabah. Beirut: Dar Al Fikr.
- Ibn Atiyah, Abdul Haq. (1422 AH). Muharar al Wajiz. Beirut: Dar Al Kotob Al Ilmiyah.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad. (1415 AH). Al Isabah Fi Tamyiz Al Sahabah. Beirut: Dar al Kotob Al Ilmiyah.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad. (2003). The virtues of the Qur'an, Beirut: Al Hilal Library.
- Ibn Kathir, Ismail. (1407 AH). Al Bidaya wa Al Nihaya. Beirut: Dar Al Fikr
- Ibn Khaldun, Abd Al Rahman. (1408 AH). The History of Ibn Khaldun. Beirut: Dar Al Fikr.
- Ibn Shabbah, Umar. (1399 AH). History of the Medina. Jeddah.
- Jawhari, Ismail. (n.d.). As'sahah. Beirut: Dar Al elm Le Al Malaien.
- Jeffery, Arthur. (1386 SH). The Foreign Vocabulary of the Qur'an. Tehran: Tuspab.
- Juba'i al'Amili, Zainuddin. (n.d.). Al Rawdah Al Bahiya.
- Kashani, Mohammad. (1398 SH). Christianity textbook; Recognizing and examining bible. Qom: Institute of khaatam al nabiyen.
- Khudairi, Muhammad. (1420 AH). Interpretation of the followers. Riyadh: Dar Al Watan

- Kohen, Abraham. (1390 SH). *Ganginaei az Talmud*, translated by: Amir Faridon Gorgani, Tehran: asaatir.
- Kulayni, Muhammad.(1430 AH). *Al kafi*. Qom: Dar al Hadith
- Lim Hoss, Frederick. (1390 SH), “Quran readings”, translated by: Mojgan Aqayi and Rahela Noshawand, *Quranic researches*. 334-351.
- Marefat, Mohammad Hadi. (1384 SH). *Quranic Sciences*. Qom: Institute of Tamhid.
- Marefat, Mohammad Hadi. (1388 SH). *Al Tamhid*. Qom: Institute of Tamhid.
- Moftakhari, Hossain; Kushki, Freshte. (1384 SH). “GHURRA' AND THEIR ROLE IN THE DEVELOPMENTS OF 1ST CENTURY A.H”. *History of Islam*, 63-110.
- Morowwati, Sohrab. (1381 SH) *A research on the history of interpretation of the Holy Quran (first century of Hijri)*. Tehran: nashre ramz.
- Motahari, Morteza. (1384 SH). *Collection of Books*. Tehran: Sadra.
- Muqatil bin Suleiman. (1423 AH). *Interpretation of Muqatil bin Suleiman*. Beirut: Dar Al Ehya Al Toras Al Arabi.
- Musaa, Hussein Yusuf. (1410 AH), *Al Ifsaah fi Feqh Al Loghat*. Qom: maktab al elam al eslami.
- Najafi, Rouhollah. (1394 SH). “The effect of theological concepts on the difference in reading the verses of divine attributes” *Ayeneh Marefat*. 55-۷۲.
- Najafi, Rouhollah. (1395 SH). “The Function of Abdullāh ibn Mas’ūd’s Reading of the Qur’an in the Clarification of Āyāt al Ahkām”. *journal of quran and hadith sciences*. 139-161.
- Nasa’i, Ahmad. (1411 AH). *Sunan Al Kobra*. Beirut: Dar Al Kotob Al Ilmiyah.
- Nasser, Shady Hekmat. (1398 SH). *Transmission of the variant readigs of the quran*, translated by: Shahpsand and Abdi, Tehran: kargadanpub.
- Noldeke, Theodore. (2000). *History of the Qur'an*. Translated by: George Tamer and Hildesheim, New York: Publisher George Almaz.
- Nouri, Hossain. (n.d.). *Fasl Al Khitab Fi Tahrif Kitab Rabb Al Arbbab*. Beirut: markaz al derasaat al fekri.
- Nuwayri, Muhammad. (1424 AH). *Sharh Tayebat Al Nashr*. Beirut: Dar Al Kotob Al Ilmiyah.

- Qasimi Hamed, Mortaza. (1388 SH), "Criticism and Analysis of the flow of Tawheed al Masahif during the Caliphate of Uthman". Foroughevahdat. ۱۸-۲۶.
- Qortobi, Muhammad. (1364 SH). Tafsir Al Qurtobi. Tehran: Naaser Khosro.
- Radwan, Omar. (1413 AH). Orientalists' opinions about the Holy Qur'an and its interpretation. Riyadh: Dar Taibah.
- Raghib Al Isfahani, Hussein. (1412 AH). Al Muf'radaat fi Gharib Al Quran. Beirut: Dar Al Qalam.
- Ramyar, Mahmoud. (1380 SH). History of the Qur'an. Tehran: Amir Kabir.
- Rasoulzadeh, Abbas; Baghbani, Jawad. (1391 SH). Knowing Christianity. Qom: Imam Khomeini Institute.
- Sabzewari, Mohammad. (1406 AH). Tafsir Al Jadid. Beirut: Dar al taarof.
- Sajistani, Abu Bakr. (1423 AH). Kitab Al Msaahaf. Cairo: Al Farooq Al Haditha
- Salehi Shami, Muhammad. (1414 AH). Sobol Al Huda wa Al Rashad. Beirut: Dar al Kotob Al Ilmiyah.
- Samarkandi, Nasr. (1416 AH). Bahr Al Olum, Beirut: Dar al Fikr
- Shirazi, Sultan Al Wa'ezin, (n.d.). Sad Maqale Soltani. Tehran: Al eslamiyeh.
- Soleimani Ardestani, Abdul Rahim. (1396 SH). A Textual and Documentary Study of Judeo Christian Scriptures. Tehran: Samt.
- Soleimani, Dawud. (1375 SH). "Studying the views of the masters of Quranic sciences, the hypothesis that the main reason for the homogeneity". Maqaalat wa Barresiha, 25 -38.
- Suyuti. (1421 AH). Al Itqān fi Ulūm Al Qurān. Beirut: Dar Al Kitab Al Arabi.
- Tabarani, Soleiman. (2008). Al Tafsir Al Kabir. Jordan: dar al kitab al seqaafi
- Tabari, Muhammad. (1412 AH). Tafsir Al Tabari. Beirut: dar al Marefat.
- Tabarsi, Fazl. (1372 SH). Majma' Al Bayan. Tehran: Naaser Khosro.
- Tabatabai, Muhammad Reza. (1371 SH). Sarf Sade. Qom: Dar Al Elm.
- Taheri Akerdi, Mohammad Hossein. (1390 SH), Judaism. Qom: Al Mustafa.
- Tha'labi, Ahmad. (1422 AH). Al Kashf wa Al Bayān. Beirut: Dar Al Ehya Al Toras Al Arabi.
- Wahedi, Ali. (1415 AH). Al Wajeez fi Tafsir. Beirut: Dar Al Qalam
- Wahedi, Ali. (1419 AH). Asbab Al Nozul. Beirut: Dar al Kotob Al Ilmiyah.
- Waqedi, Muhammad. (1409 AH). Al Maghazi. Beirut: Al Alami Institute.
- Yaqoubi, Ahmad. (n.d.). Al Ya'qubi's history. Beirut: Dar Sader.

- Zarkeshi, Muhammad. (1410 AH). Al Burhan Fi Tafsir Al Quran. Beirut: Dar al Marefat.
- Zarqani, Abdolazim. (n.d.). Manahel Al Erfan. Beirut: Dar Al Ehya Al Toras Al Arabi
- Zia Tohidi, Mohammad. (1393 SH). An introduction to the Bible and Christian theology. Tehran: Canun Andishe Jawan.
- Zowqi, Amir. (1396 SH). Criteria for selecting Quranic readings: classification and promotion. Tehran: Imam Sadiq (peace be upon him) University.